



Shahid Rajaee
Teacher Training
University
Department of
Architecture

Certificate of

2nd International & 7th National Conference



on Sustainable Architecture & City

Mahsa Akbari Sharak, Hamed Kamelnia

presented the paper

Analysis and Investigation of Social Sustainability Indicators on Social Housing Architecture in the Middle East

which has played an important role in the **2nd International & 7th National Conference on Sustainable Architecture & City**. This Accepted Abstract will be published in the conference booklet under the ISC citation.

The Sustainable Architecture & City Conference serves as a place to explore the meaning and purpose of 'sustainability', as well as speaking in grounded ways about the task of design. The conference brings together researchers, teachers, and practitioners to discuss the nature and future of sustainable architecture.

Hamid Reza Azemati

Chairman of Conference

Esmaeil Zarghami

Conference Secretary

همایش معماری و شهرپایدار
دانشگاه شهیدرجایی

Code: icsac2-03780474

Date: February 20, 2023

Shahid Rajaee Teacher Training University, Department of Architecture, February 2023



گواهینامه پذیرش و چاپ مقاله

دومین همایش بین‌المللی و هفتمین همایش ملی معماری و شهر پایدار

کد: icsac2-03780474
تاریخ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

2nd International and 7th National Conference on Sustainable Architecture and City

پژوهشگران گرامی

مهسا اکبری شارک، حامد کامل‌نیا

ضمن ارج نهادن به همت والا و مشارکت علمی شما در دومین همایش بین‌المللی و هفتمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، به تاریخ ۶ و ۷ بهمن ۱۴۰۱، بدینوسیله گواهی می‌شود، مقاله شما با عنوان **تحلیل و بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی بر معماری مسکن اجتماعی در خاورمیانه** پس از بررسی توسط کمیته علمی همایش، مورد پذیرش قرار گرفته است.

مجموعه مقالات این همایش در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه خواهد شد. موفقیت روز افزون شما در عرصه دانش و پژوهش را از درگاه ایزد دانا مسئلت داریم.

دکتر حمیدرضا عظمتی
رئیس همایش

همایش معماری و شهر پایدار
دانشگاه شهید رجایی

دکتر اسماعیل ضرغامی
دبیر همایش ضرغامی



دانشگاه تربیت مدرس

شهرسازی
معماری
دانشگاه تربیت مدرس



2nd International and 7th National Conference on Sustainable Architecture and City



تحلیل و بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی بر معماری مسکن اجتماعی در خاورمیانه

مهسا اکبری شارک^۱، حامد کامل‌نیا^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد

Analysis and Investigation of Social Sustainability Indicators on Social Housing Architecture in the Middle East Mahsa Akbari Sharak¹, Hamed Kamelnia²

1- Master of Architecture student, Ferdowsi University of Mashhad

2- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad

ایمیل نویسنده مسئول: kamelnia@um.ac.ir

*Corresponding Author: Hamed Kamelnia

چکیده

مسکن اجتماعی یکی از سیاست‌های تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد و پایداری اجتماعی یکی از رویکردهای مواجهه با مسائل و مشکلات این نوع مسکن محسوب می‌شود. مسکن اجتماعی اغلب به‌عنوان مسکن حداقلی شناخته می‌شود. لذا به‌کارگیری شاخص‌های مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی در این نوع مسکن در راستای افزایش کیفیت محیط زندگی ساکنان آن ضرورت می‌یابد. یکی از مناطقی که همواره در رابطه با مسکن اجتماعی با مشکل روبرو است، منطقه خاورمیانه می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی معیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی بر معماری مسکن اجتماعی در خاورمیانه است. در این راستا با استفاده از روش کیفی، تحلیل نمونه‌های موردی صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در طراحی محیط‌های مسکونی، به‌ویژه برای قشر کم‌درآمد، مشارکت ساکنان در مراحل طراحی و حتی اجرا می‌تواند موجبات رضایت‌مندی آن‌ها را فراهم آورده و انعطاف و انطباق طرح با نیازها و شیوه زندگی کاربران در آینده را تضمین نماید. همچنین این موضوع خود منجر به شکل‌گیری سایر شاخص‌های پایداری اجتماعی شده و به‌دنبال آن هویت، حس تعلق به مکان، تمایل به شرکت در فعالیت‌های جمعی و تعاملات اجتماعی در مسکن اجتماعی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

پایداری اجتماعی، مسکن اجتماعی، خاورمیانه.

Abstract

Social housing is one of the policies for providing housing for low-income groups and social sustainability is one of the approaches to face the issues and problems of this type of housing. Social housing is often referred to as minimal housing. Therefore, it is necessary to use effective indicators to promote social sustainability in this type of housing in order to increase the quality of the living environment of its residents. One of the regions that always face problems in relation to social housing is the Middle East region. The purpose of this research is to investigate the effective criteria for promoting social sustainability in social housing architecture in the Middle East. In this regard, case samples have been analyzed using the qualitative method. The results of the research indicate that in the design of residential environments, especially for the low-income group, the participation of residents in the design and even implementation stages can provide their satisfaction and ensure the flexibility and adaptation of the plan to the needs and lifestyle of the users in the future. Also, this issue itself leads to the formation of other indicators of social sustainability, and following that, identity, sense of belonging to a place, desire to participate in collective activities, and social interactions in social housing.

Keywords: Social sustainability, Social housing, Middle East.



۱- مقدمه

بر اساس تعریف USGBC، پایداری می‌تواند مکان‌هایی را فراهم کند که از نظر زیست‌محیطی مسئول، عادلانه، سودآور و تأمین‌کننده سلامت انسان باشد (Heravi et al., 2017) و به‌طور کلی یک عامل مهم در ارزیابی محیط محسوب می‌شود (Fatourehchi & Zarghami, 2020). یکی از اولین اقدامات در راستای توسعه پایدار، تشکیل کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ بود (Brundtland Commission, 1987). پایداری اجتماعی نیز یکی از ابعاد توسعه پایدار است که می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب نظری در طرح‌ها استفاده شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۳). نیاز به زیست اجتماعی که مفهوم پایداری اجتماعی هم از این مهم سرچشمه می‌گیرد، یکی از نیازهای اساسی انسان است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به تأکید پژوهش‌گران علوم اجتماعی بر رفع نیازهای محیطی انسان (Altman, 1975) این امر به‌عنوان هدف نهایی در توسعه اجتماعی، مطرح گردیده است. در این راستا دانشمندان برای نیازهای انسان مدل‌های مختلفی ارائه دادند که در هر کدام از این مدل‌ها به نحوی به نیازهای اجتماعی انسان توجه شده است. استیل (۱۹۷۳) نیاز به تعاملات اجتماعی را در گروه نیازهای اساسی انسان قرار داده، کانتریل (۱۹۶۵)، لایتون (۱۹۵۹) و مازلو (۱۹۸۷)، همگی نیاز به امنیت و ایمنی را مطرح کرده‌اند (Talen, 2000). از این‌رو توجه به شاخص‌های موثر بر ارتقای پایداری اجتماعی در تأمین نیازهای انسان اهمیت می‌یابد.

از آنجایی که مسکن نقش قابل‌توجهی در سلامت جامعه ایفا می‌کند (Fatourehchi & Zarghami, 2020)، و پیوستگی نزدیکی با کیفیت‌های زندگی انسان مثل امنیت و تعامل با انسان‌های دیگر دارد (راپاپورت، ۱۳۹۲؛ پوردیهیمی، ۱۳۹۱). به این ترتیب نیاز به بررسی محیط‌های مسکونی در حوزه اجتماعی محسوس می‌باشد. با توجه به رشد سریع شهرنشینی در دنیا، تأمین مسکن به‌ویژه برای گروه‌های کم‌درآمد شهری از مهمترین مسائل و چالش‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار محسوب می‌شود. تقریباً همه کشورهای جهان در این زمینه با معضلاتی مواجه هستند که برخی از کشورها با ارائه ساز و کارهای مناسب، تا حدودی بر مشکل غلبه کرده‌اند و توانسته‌اند به یک سیر منطقی در زمینه تأمین مسکن دست یابند. یکی از مهمترین سیاست‌های تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد شهری که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته، استفاده از سیاست مسکن ارزان‌قیمت^۱ بوده است (حسینی، ۱۳۹۷). یکی از مناطقی که همواره در رابطه با مسکن اجتماعی با مشکل روبرو است، منطقه خاورمیانه می‌باشد. در نمایشگاهی که مرتبط با موضوع مسکن اجتماعی و مقرون‌به‌صرفه برای قشر کم‌درآمد در ترکیه برگزار شد، خلاء کمبود نمونه‌های اجرا شده در رابطه با مسکن اجتماعی در خاورمیانه کاملاً مشهود بود. مانند بسیاری از نقاط دیگر جهان، در شهرهای خاورمیانه، مسکن انبوه تنها یکی از راه‌حلهایی بوده است که در پاسخ به تلاش برای یافتن شکل مناسب سکونت قشر کم‌درآمد به کار گرفته شده است. اما اغلب این راه‌حل در عمل مورد رضایت ساکنان قرار نگرفته است (Kılınç & Gharipour, 2019, p. 7-10).

اهمیت حوزه مسکن قشر کم‌درآمد در حیطه مطالعات اجتماعی، و همچنین خلاء کمبود نمونه‌های اجرا شده در رابطه با مسکن اجتماعی در خاورمیانه، مطالعه پیرامون موضوع را ایجاب می‌نماید. هدف این پژوهش بررسی معیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی در مسکن اجتماعی در خاورمیانه می‌باشد. سوالی که مطرح می‌گردد این است که معیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی، در طراحی نمونه‌های اجرا شده مسکن اجتماعی در خاور میانه به چه میزان به کار گرفته شده‌اند؟ و این که کدام معیارها تأثیر بیشتری بر افزایش کیفیت محیط زندگی و رضایت ساکنان مسکن اجتماعی دارند؟ در پژوهش حاضر ابتدا ادبیات مربوط به پایداری به‌ویژه پایداری اجتماعی و مسکن اجتماعی بررسی می‌شود؛ سپس معیارهای

¹ Affordable housing



مؤثر بر پایداری اجتماعی بر روی پنج نمونه موردی مسکن اجتماعی در خاورمیانه با استفاده از روش کیفی و تحلیل نمونه‌های موردی بررسی می‌گردد. در بخش نتایج هم ملاحظات بخش‌های پیشین بررسی و نتایج مورد بحث قرار می‌گیرد و نتیجه‌گیری از مطالعه ارائه می‌شود.

۲- ادبیات نظری پژوهش

پایداری^۱ به‌عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند و از کلمه (Sustenere Sus، یعنی از پایین و Tenere، یعنی نگهداشتن) به‌معنای زنده نگه‌داشتن یا نگه‌داشتن گرفته شده‌است که بر حمایت یا دوام بلندمدت دلالت می‌کند. پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون اینکه به‌طور اجبار در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم به‌آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش‌ازحد روی آن‌ها، به ضعف کشیده شود (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴، ص.۴۷).

توسعه به‌عنوان فرآیندی که باعث گسترش حق انتخاب مردم، افزایش مشارکت‌های دموکراتیک و توانمندسازی در مشارکت و تصمیماتی که زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تفسیر می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲، ص.۱۸۷). مفهوم توسعه پایدار^۲ در اواخر دهه ۱۹۸۰، بعد از مطرح شدن در کنفرانس آینده مشترک ما به صورت عمومی گسترش یافت. نتیجه این کنفرانس مطرح شدن یک دستور کار جهانی برای بقا و توسعه بود (Strange & Bayley, 2008, P.24). توسعه پایدار به معنی برآوردن نیازهای عصر حاضر بشر بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل آینده برای تأمین نیازهای خود می‌باشد. این مفهوم در سه جنبه زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به‌کار می‌رود (Cowan, 2005; Dempsy et al., 2009).

پایداری اجتماعی^۳ در دو بعد مورد توجه قرار گرفته‌است: عدالت اجتماعی که اشاره به توزیع عادلانه منابع و اجتناب از تکنیک‌های انحصاری داشته و اجازه می‌دهد افراد یک جامعه به‌طور کامل در جامعه مشارکت داشته‌باشند که این امر ارتباط نزدیکی با عدالت محیطی دارد. بعد دوم آن در ارتباط با محیط ساخته‌شده‌است به‌معنای توجه به ماهیت و وسعت دسترسی به خدمات و امکاناتی که در منطقه وجود دارد. به‌عبارت دیگر، پایداری اجتماعی، توانایی جامعه برای حفظ و بازتولید خود در یک سطح قابل‌قبول و یکپارچه‌سازی رفتار اجتماعی در محیط اجتماعی را شامل می‌شود. به‌این ترتیب، پایداری اجتماعی، شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی، ثبات نسبی در جامعه که هر دو گروه ساکن و غیرساکن را دربرمی‌گیرد و وجود سطحی از اعتماد در جامعه که حس مثبتی از هویت و غرور را ایجاد می‌کند، می‌شود (Dempsy et al., 2012, P.94). در شکل ۱ سلسله‌مراتب ساختار پایداری اجتماعی نمایش داده شده است.

¹ Sustainability

² Sustainable development

³ Social sustainability



شکل ۱: سلسله مراتب ساختار پایداری اجتماعی (منبع: Woodcraft et al., 2012)

پایداری اجتماعی از سنت‌ها، شیوه‌ها، اولویت‌ها و مکان‌هایی که مردم تمایل به حفظ پایداری یا بهبود آن را دارند، نظیر زندگی در حومه‌های کم‌تراکم شهری، استفاده از اتومبیل شخصی و حفظ چشم‌اندازهای طبیعی صحبت می‌کند. این موارد زیربنای کیفیت زندگی مردم، شبکه‌های اجتماعی، کار و فضاهای زندگی دلپذیر، فرصت‌های اوقات فراغت و غیره است. بنابراین حفظ پایداری اجتماعی، در ارتباط با روش‌هایی می‌باشد که در آن، مشخصات و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی در طول زمان حفظ می‌شوند (Vallance et al., 2011). یک تعریف قوی از پایداری اجتماعی باید بر ارزش‌های برابری و دموکراسی استوار باشد، که منظور از دموکراسی، تقسیم عادلانه حقوق بشر از همه جنبه‌ها (سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بین مردم می‌باشد (Colantonio, 2009, P.80). برخی تعاریف پایه در رابطه با پایداری اجتماعی در قالب جدول ۱ ارائه می‌گردد.

جدول ۱: تعاریف پایداری اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف

تعریف پایداری اجتماعی	سال	نظریه پرداز
تحقق پایداری اجتماعی به دنبال تحقق درجه متوسطی از همگنی اجتماعی، توزیع مساوی درآمد، اشتغال، دسترسی یکسان به منابع و خدمات اجتماعی، مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری و انسجام اجتماعی ممکن خواهد بود.	۱۹۹۹	Sachs
پایداری اجتماعی، محیط مساعدی برای زندگی مشترک گروه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کند و در عین حال به یکپارچگی اجتماعی همراه با بهبود کیفیت زندگی در همه	۲۰۰۰	Polese and Stren



اقشار جامعه اشاره دارد.		
۲۰۰۱	Koning	پایداری اجتماعی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که تساوی حقوق در آن رعایت گردد، عاری از محرومیت اجتماعی باشد و از کیفیت خوب زندگی و معیشت برای همگان برخوردار باشد. پایداری اجتماعی یک مفهوم هنجاری و در عین حال نسبی است. یعنی در طول زمان در نتیجه تغییر در رفتارها، عادات، طرز تفکر، سبک زندگی و آموزش تغییر می‌کند. به همین جهت امری ثابت و ایستا نیست.
۲۰۰۲	Biart	هدف پایداری اجتماعی، تعیین حداقل ملزومات اجتماعی برای توسعه بلندمدت (که گاهی سرمایه اجتماعی ^۱ حیاتی نیز نامیده می‌شود) و شناسایی چالش‌های موجود در عملکرد جامعه در درازمدت است.
۲۰۰۳	Chiu	برآورده شدن نیازهای انسانی و کیفیت زندگی دو مفهوم اساسی در پایداری اجتماعی می‌باشد و تحقق پایداری اجتماعی در گرو تحقق کیفیت مطلوب زندگی بشر در نسل حاضر و آینده است.
۲۰۰۵	Littig and Griebler	اگر کار در یک جامعه، مجموعه گسترده‌ای از نیازهای انسانی را برآورده کند و به گونه‌ای شکل‌بگیرد که طبیعت و قابلیت‌های آن در طولانی‌مدت حفظ شود و همچنین عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت محقق گردد، پایداری اجتماعی حاصل می‌شود.
۲۰۰۶	Bramley etal	دو مفهوم اساسی هسته نظریه پایداری اجتماعی را شکل می‌دهد. بعد اول: توزیع عادلانه منابع در جامعه (دسترسی عادلانه به شغل، مسکن و خدمات محلی) و بعد دوم: امکان ادامه حیات و عملکرد اجتماع به عنوان یک نهاد و موجودیت اجتماعی و اشتراکی.
۲۰۱۰	Manzi etal	پایداری اجتماعی به تحقق چهار عنصر اصلی و تعیین‌کننده یعنی عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت تعبیر می‌گردد.

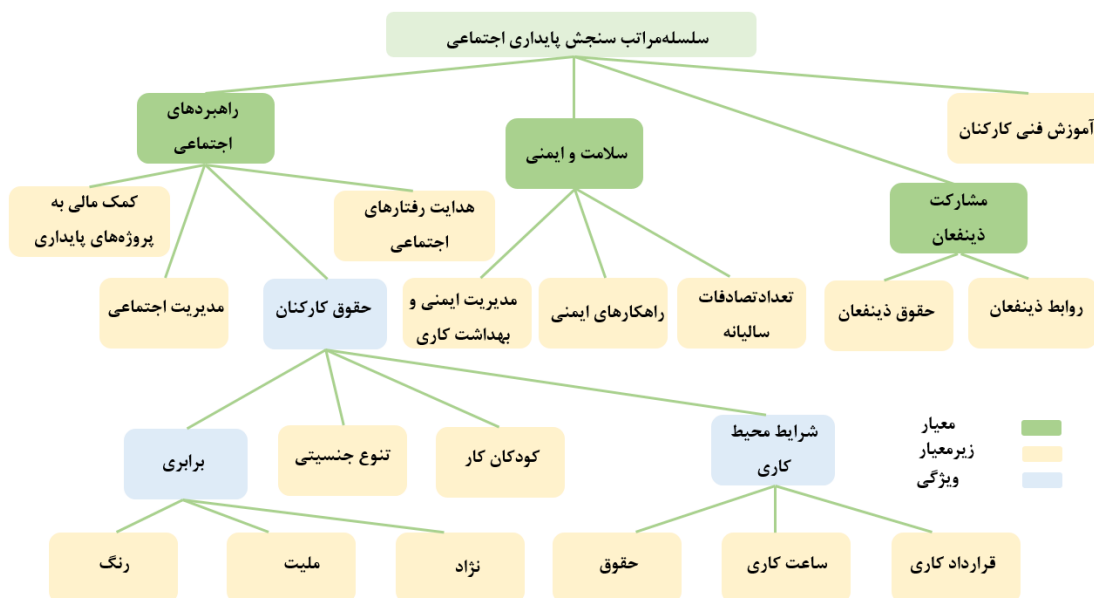
۲-۱- پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعاتی در رابطه با شاخص‌های پایداری اجتماعی در محیط‌های مسکونی شده‌است که در پژوهش حاضر به بررسی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. شهر ونکوور در سال ۲۰۰۵ شاخص‌هایی را از جمله، مسکن مناسب مقرون به صرفه، مسکن مشارکت مدنی، زیرساخت‌های اجتماعی، تحصیلات، اشتغال، اقتصاد محلی، محیط طبیعی، سلامت فردی و اجتماعی و امنیت را تحت عنوان یک برنامه توسعه اجتماعی برای این شهر و حرکت به سمت پایداری اجتماعی منتشر می‌کند (Colantonio, 2009, P.86). چان و لی (۲۰۰۸)، مفهوم طراحی شهری پایدار را بررسی کرده و عوامل رضایت از امکانات رفاهی، حفاظت از منابع و محیط طبیعی، آفرینش محیط زندگی هماهنگ، تهیه و تسهیل فعالیت‌های زندگی روزانه، شکل توسعه و دردسترس بودن فضاهای باز را به عنوان عوامل حیاتی برای افزایش پایداری اجتماعی پروژه‌های نوسازی شهری، شناسایی می‌کنند. مؤسسه توسعه پایدار آکسفورد (OISD) در سال ۲۰۰۹ با بررسی پنج شهر

¹ Social capital



در اروپا، معیارهای پایداری اجتماعی شهری را عواملی چون تغییرات جمعیتی (پیری، مهاجرت و تحرک)، آموزش و مهارت، اشتغال، سلامت و امنیت، مسکن و بهداشت محیط، هویت، حس مکان و فرهنگ، مشارکت، توانمندسازی و دسترسی، سرمایه اجتماعی، اختلاط و انسجام اجتماعی و رفاه، شادی و کیفیت زندگی بیان می‌کند (OSID, 2009, P.78). کولانتونیو (۲۰۰۹) به مقایسه دو گروه مؤلفه‌های سنتی و جدید پایداری اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد مضامینی مثل نیازهای اساسی، عدالت، اشتغال درحال تبدیل شدن به مضامین جدیدی مانند شادی، رفاه و سرمایه اجتماعی می‌باشد. در شکل ۲ نمونه‌ای از سلسله‌مراتب شاخص‌های سنجش پایداری اجتماعی ارائه شده است.



شکل ۲: مدل سلسله‌مراتبی شاخص‌های پایداری اجتماعی (منبع: Marzouk & Sabbah, 2021)

دمپسی و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به تعریف دقیق مفهوم پایداری اجتماعی در بافت شهری پرداخته‌است. همچنین در مطالعه‌ای دیگر به بررسی مفهوم تراکم در چارچوب پایداری اجتماعی، پرداخته و رابطه بین تراکم و جنبه‌های پایداری اجتماعی، به‌ویژه برابری اجتماعی (دسترسی به خدمات و امکانات)، برابری زیست‌محیطی (دسترسی و استفاده از فضای سبز و باز) و پایداری جامعه (درک ایمنی، تعامل اجتماعی و ثبات جامعه) را بیان نموده‌است (Dempsey et al., 2012, P. 89). تراکم مفهوم مهمی در طراحی محیط‌های مسکونی و بازنمودی بیش از یک نسبت ساده است و در ارتباط با ابعاد انسانی نیاز به امنیت، نیاز به حریم و نیاز به شناخت موقعیت‌ها قرار می‌گیرد (پوردیهیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۵۸). رویکرد انسانی به تراکم، به نوبه خود، راه را برای انتقال از شاخص‌ها و معیارها (که برای بررسی پایداری محیطی و اقتصادی مناسب‌تر هستند) به سوی پایداری اجتماعی در محیط‌های مسکونی میسر می‌سازد (موسوی‌نیا، ۱۳۹۸، ص. ۵۶). وینگائرتنر و میرگ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای بیان می‌کنند که با وجود رویکردی پراکنده به پایداری اجتماعی در ادبیات آن، به‌نظر می‌رسد درک مشترکی از چیستی پایداری اجتماعی بین همه مطالعات وجود دارد. تا کنون تعاریف کاملاً یکسانی از پایداری اجتماعی نشده‌است، از این رو برخی مقالات به ارائه درکی مشترک از معنای پایداری اجتماعی و عوامل تأثیرگذار مرتبط با آن پرداخته‌اند (Haji Rasouli & Kumarasuriyar, 2016).



برپیملی و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای علاوه بر بررسی معیارهای پایداری اجتماعی محلی، میزان متراکم بودن آن را نیز به لحاظ جمعیتی بررسی نموده‌است. مطالعه‌ای دیگر با بررسی پایداری اجتماعی در شهر بمبئی، تراکم بالا را عاملی منفی در پایداری اجتماعی بر نمی‌شمرد. بلکه ترکیبی از کاربری‌ها و همچنین متغیرهای اجتماعی-جمعیتی مانند درآمد خانواده و موقعیت مکانی را معیارهای مهم در دستیابی به پایداری اجتماعی می‌داند (Dave, 2011). در پژوهشی با بررسی معیارهای پایداری اجتماعی در محله، نشان می‌دهد که ویژگی‌های فرم شهری مختلف از جمله: تراکم، کاربری زمین، گزینه‌های تحرک، شبکه‌های تحرک، چیدمان خیابان‌ها، ایمنی و کیفیت زیبایی‌شناختی محیط ساخته‌شده، عوامل اصلی تضعیف پایداری اجتماعی در محله هستند (Alipour & Amad, 2021). شاخص‌های پایداری اجتماعی در قالب یک مدل سلسله‌مراتبی در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳: نمایش گرافیکی ساختار پایداری اجتماعی (منبع: Woodcraft et al., 2012)

در ایران نیز مطالعاتی بر روی ارزیابی پایداری اجتماعی در محیط‌های مسکونی صورت گرفته است. مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی میزان پایداری اجتماعی مناطق ۲۲گانه شهر تهران پرداخته‌است و معیارهای جمعیتی و اجتماعی، اقتصادی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، شاخص سلامت، عوامل کالبدی (تراکم جمعیت و دسترسی به زیرساخت‌ها، تسهیلات، خدمات شهری و امکانات رفاهی) و امنیت را ملاک عمل خود قرار داده‌اند. شیعه و همکاران (۱۳۹۶) نیز معیارهای پایداری اجتماعی را در قالب پنج عامل مردم‌مداری، فعالیت‌پذیری، یکپارچگی کالبدی، امنیت و ایمنی و هویت‌مندی تعریف کرده‌است. زارع و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی پایداری اجتماعی محلات قدیم و جدید شهر یزد می‌پردازد که براساس آن محلات جدید با میزان رضایت بیشتر از محله و مسکن دارای پایداری اجتماعی بیشتری نسبت به محلات قدیم می‌باشد. طبق مطالعه علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) معیارهای امنیت اجتماعی، رضایتمندی و ثبات اجتماعی دارای بیشترین تاثیر بر پایداری اجتماعی محله است. محمودی و منصورپور (۱۳۹۶) حس اعتماد و فعالیت‌های مشترک اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ایجاد تعاملات اجتماعی یک محله مطرح می‌نمایند.



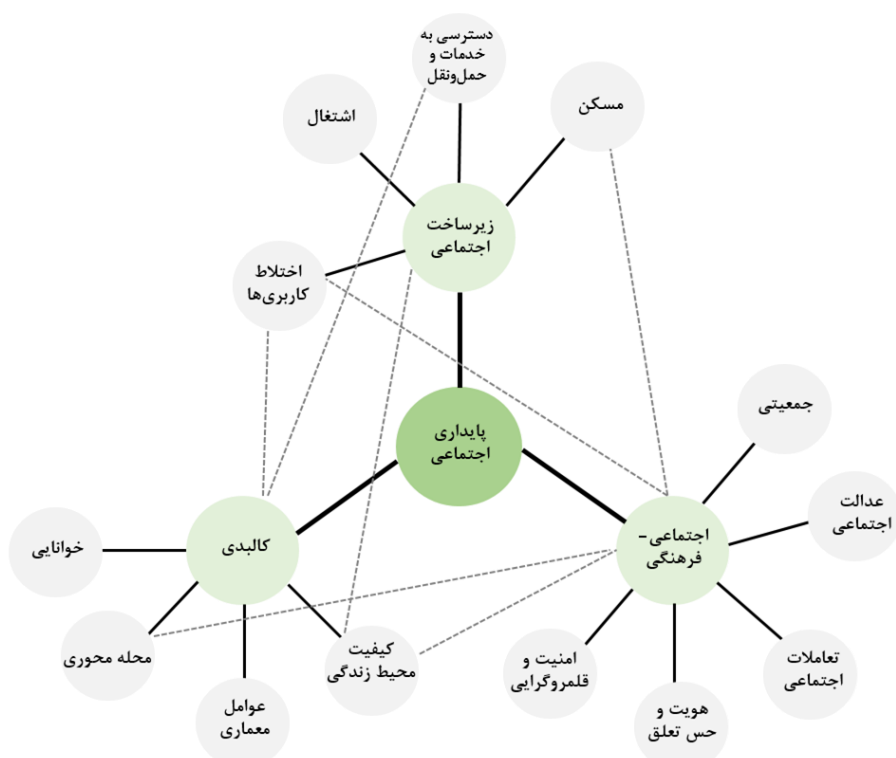
داوودی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی معیارهای کلی پایداری اجتماعی در جامعه و معیارهایی برای ارتقای پایداری اجتماعی با طراحی معماری پرداخته است. موسوی‌نیا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی نقش قلمروگرایی در رابطه بین تراکم ادراک شده و تعاملات اجتماعی می‌پردازد. کرجی و همکاران (۲۰۱۹) با مطالعه بر روی مسکن مهر شهر پرنده چهار معیار ساخت و ساز و جامعه، سلامت، ایمنی و ریسک، زیست‌پذیری و ویژگی‌های محله، به عنوان شاخص‌های اصلی پایداری اجتماعی عنوان می‌کند. فتوره‌چی و زرغامی (۲۰۲۰) در پژوهشی پنج معیار کلی برای ارزیابی پایداری اجتماعی به دست آوردند که عبارتند از: ملاحظات سایت و تجهیزات، ملاحظات سلامتی و راحتی، مسائل ایمنی و امنیتی، تعامل ساکنان و عوامل معماری. فرخی‌راد و فروتن (۱۳۹۴) در راستای بهبود فضاهای جمعی مجموعه مسکونی معیارهای امنیت، عدالت اجتماعی (مردمداری)، فعالیت‌پذیری (سرزندگی)، هویت‌مندی و انسجام فضایی کالبدی را در جهت ارتقای پایداری اجتماعی مطرح می‌کنند. هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴) در جهت تحقق پایداری اجتماعی در محیط مسکونی گروه کم‌درآمد، معیارهایی همچون حس‌تعلق، هویت، خلوت (امکان تنظیم ارتباطات)، اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی، آسایش فیزیکی، ایمنی، ارتباط با طبیعت، دسترسی به امکانات عمومی، امنیت، انعطاف‌پذیری (چندمنظوره بودن فضاها و امکان تغییر پلان‌ها) را ارائه نموده‌اند. جمع‌بندی شاخص‌های ارائه شده در مطالعات مختلف در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی (منبع: موسوی‌نیا و اکبری شارک، ۱۴۰۱)

معیار پایداری اجتماعی	زیرمعیار پایداری اجتماعی
جمعیتی	نرخ رشد جمعیت، نرخ مرگ و میر، بعد خانوار و نرخ بی‌سوادی و تحصیلات و تراکم جمعیتی.
کیفیت محیط زندگی	دسترسی به فضاهای باز، امکانات تفریحی، رفاهی، تسهیلات بهداشتی، خدماتی، حمل و نقل، محل اشتغال، منابع، امکانات محلی، اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌پذیری، امکانات رفاهی، بهبود فضاهای جمعی، فضاهای چندمنظوره، کیفیت هوا، آب سالم و در دسترس، آلودگی‌ها. اختلاط کاربری‌ها، جذابیت فضاهای عمومی، حق انتخاب و تنوع، سرزندگی و فعالیت‌پذیری، توسعه حمل و نقل، نزدیکی محل کار به خانه، دسترسی به تسهیلات
مسکن	مسکن مناسب، مقرون‌به‌صرفه، مشارکتی، با ثبات و استفاده از مالکیت ترکیبی.
مطلوبیت کالبدی و خوانایی	شکل توسعه شهر، شهرسازی، طراحی شهری پایدار، یکپارچگی کالبدی، خوانایی، تراکم، سلسله مراتب، فشردگی بافت و پیوستگی کالبدی. قابل فهم بودن فضاها، دسترسی مناسب، یکپارچگی فضایی کالبدی، پیوستگی کالبدی، تحرک
محله‌محوری	مردم‌محوری، پیاده‌مداری، دوچرخه‌محوری، قلمرو عمومی محله.
عدالت اجتماعی	برابری، تساوی، برابری جنسیتی، نژادی، اعتماد اجتماعی.
امنیت و قلمروگرایی	امنیت، ایمنی، امنیت مالی، شخصی و حریم.
تعاملات اجتماعی	تمایل به فعالیت در محیط مسکونی، توانایی تأثیرگذاری در محیط مسکونی، شناخت همسایه، معاشرت، کمک، اعتماد، مشارکت عمومی.
هویت، حس تعلق	حس تعلق، حس مکان، ارتباط با گذشته، مکانی با ویژگی خاص، حس تعلق به جامعه، حس مکان، سنت‌های فرهنگی، بوم‌مداری، تصویر ذهنی و حفظ هویت.
عوامل معماری	راحتی حرارتی، بصری، آکوستیک و هوای داخلی ساختمان، نور، مسایل کالبدی معماری و آسایش اقلیمی.



با توجه به مرور ادبیات نظری پیرامون شاخص‌های مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی، به‌طور کلی این شاخص‌ها را می‌توان در سه دسته زیرساخت اجتماعی، کالبدی و اجتماعی-فرهنگی طبقه‌بندی نمود. از این‌رو، مدل پیشنهادی با توجه به مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای پایداری اجتماعی مطابق شکل ۴ ارائه می‌گردد.



شکل ۴: مدل پیشنهادی معیارها و زیرمعیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی

۲-۲- مسکن اجتماعی

مفهوم مسکن اجتماعی که بعضاً با عناوین دیگری چون مسکن دولتی، عمومی یا مسکن قابل استطاعت هم شناخته می‌شود، در کشورهای صنعتی‌شده اروپایی در ابتدای قرن بیستم ظهور کرد و رشد نمود (Lund, 2011, p. 48). مسکن اجتماعی نه تنها نیاز به سرپناه خانواده را برآورده می‌سازد، بلکه تأثیرات منفی جانبی نه برای افراد و نه برای اجتماع ندارد. اثرات جانبی هم شامل مواردی مانند تولید امراض جسمانی و انواع بیماری‌های روحی در اثر نبود امکانات می‌شود و هم مواردی مانند ایجاد زمینه‌های بروز جرم و بزهکاری را دربرمی‌گیرد. براین‌اساس نیاز مسکن تا زمانی که یک خانواده به اسکان مناسب و درخور (نه سرپناه) دسترسی نداشته باشد، تأمین‌نشده باقی خواهدماند (Malpass, 2008).

درک عمومی از مسکن اجتماعی، همه انواع مسکن‌های یارانه‌ای را که توسط مؤسسات عمومی، شهرداری‌ها و دولت‌های ملی، یا آژانس‌های مسکن برای گروه‌های کم‌درآمدی که نیاز به مسکن دارند و در شرایط موجود بازار قادر به پرداخت هزینه‌های مالی نیستند، پوشش می‌دهد. مسکن اجتماعی، صرف‌نظر از اینکه همیشه به‌عنوان یک مسأله اجتماعی مطرح بوده، موضوعی سیاسی نیز محسوب می‌شود. توسعه برنامه‌های مسکن اجتماعی همواره مستلزم یک عامل سیاسی فعال است، زیرا نهادهای دولتی که به‌دنبال تأمین مسکن برای اقشاری هستند که نمی‌توانند به‌تنهایی هزینه‌های مربوط به مسکن خود را تأمین کنند، این کار را اساساً به‌جهت اصلاح نابرابری‌ها انجام می‌دهند. اولین نمونه‌های خانه‌های کارگری در



اوایل قرن نوزدهم پدیدار شدند، زمانی که اثرات توسعه صنعتی و شهری گسترده شده بود. اما در اوایل قرن بیستم دامنه مسکن اجتماعی بسیار فراتر از تلاش‌های پراکنده برای تأمین آن شد. در دومین نشست کنگره سیام^۱ که در سال ۱۹۲۹ در فرانکفورت تشکیل شد، موضوع مسکن قابل سکونت برای کارگران با عنوان مسکن مقرون به صرفه یا حداقلی مطرح گردید. مسکن اجتماعی ساخته شده در این دوره به معنای واقعی، حداقلی از مسکن را ارائه می‌داد و عامل مردم در طراحی نادیده گرفته می‌شد (Kılınç & Gharipour, 2019, p. 3).

پس از تجربه‌های مسکن اجتماعی در دهه‌های ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰، که در آن گونه‌شناسی‌های جدیدی که فراتر از یک واحد خانوادگی مرسوم بود، به کار گرفته شدند، تلاش‌های پس از دهه ۱۹۵۰ عمدتاً با برنامه‌های انبوه‌سازی مسکن که بر فن‌آوری‌های ساختمان‌های پیش‌ساخته متکی بودند، ظهور نمود. در همان دهه، چین مائو پروژه غیورانه آوردن «پایان دهقانان، مؤسسات آن و شیوه زندگی دیرینه‌اش» را به کمون‌های مردمی بر عهده گرفت. همان‌طور که مورخ معماری Duanfang Lu در کتاب ویرایش شده خود مدرنیسم جهان سوم نشان داد، زندگی در کمون‌ها هم منظم و هم جمعی بود. واحدهای مسکونی محلی با مسکن مدرن جایگزین شد و «غذا، خشک‌شویی و مهد کودک‌ها برای رهایی زنان از تقسیم کار سنتی فراهم شد». با آغاز دهه ۱۹۸۰، معماری به طور فزاینده‌ای درگیر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال شد. مسأله خصوصی‌سازی خدمات عمومی در این دهه، کاهش یارانه برای مسکن اجتماعی و ظهور ایدئولوژی‌های مصرف‌گرایانه را با خود به همراه داشت. در آن زمان مشارکت‌های دولتی-خصوصی به عنوان مدل جدیدی برای تولید مسکن با درآمد پایین ظاهر شد و نقش پیمانکاران خصوصی در اجرای پروژه‌های مسکن اجتماعی باعث افزایش هزینه پروژه‌ها گردید (Kılınç & Gharipour, 2019, p. 5).

در دو دهه گذشته، جامعه معماری سعی بر آن داشته تا با این جریان قوی مقابله کند. یکی از موارد این مقابله نمایشگاهی است، با عنوان «جهانی بیندیشید، اجتماعی بسازید!» معماری برای جهانی بهتر» که پروژه‌های مسکونی، آموزشی، بهداشتی و طرح‌های بازسازی محله‌های مستضعف‌نشین را که در ده سال گذشته در سراسر جهان توسعه یافته‌اند، از جمله پروژه‌های آلخاندرو آراونا که برنده جایزه پریتزکر ۲۰۱۶ شده، را گردهم آورده است. محبوبیت این رویداد، نشان می‌دهد که معماری، پس از چندین دهه درونگرایی و ادعای استقلال حرفه‌ای، بار دیگر به سمت دفاع از یک رسالت اجتماعی و درگیر شدن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی در ساختارهای شهری و زندگی مردم عادی حرکت می‌کند. معماری‌های کوچک، برنامه‌ریزی از پایین به بالا و مسکن مقرون به صرفه برای قشر کم‌درآمد به مرور تبدیل به اصلی‌ترین موضوعات در شرکت‌های بزرگ معماری در سراسر جهان می‌شود. بنابراین، افزایش اشتیاق در صحنه جهانی برای عمل به رسالت اجتماعی معماری، نشان‌دهنده تغییر در روند گذشته می‌باشد. همان‌طور که آراونا به صراحت بیان کرده است، معماری بار دیگر «به ابزاری برای مبارزه با فقر تبدیل می‌شود». در طی این روند، مسکن اجتماعی به سمت شیوه‌های طراحی مشارکتی حرکت می‌کند و معماران به جای اینکه خود را بخشی از سازوکارهای تنظیم‌کننده یا سیاست‌گذاری از بالا به پایین ببینند، باید به دنبال برنامه‌ریزی از پایین به بالا و مشارکت دادن مخاطبین پروژه در طراحی و حتی ساخت آن باشند (Kılınç & Gharipour, 2019, p. 6).

۲-۳- خاورمیانه

درباره گستره و مرزهای جغرافیایی منطقه‌ای که از حدود یک سده پیش با عنوان خاورمیانه از آن یاد می‌شود، تعریف یگانه و فراگیری وجود ندارد. تاریخ‌نگاران، روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌های همگانی، بر خلیج فارس و کشورهای پیرامون

¹ CIAM (Congrès Internationaux d'Architecture Modern)



آن به‌عنوان مرکز خاورمیانه اتفاق نظر دارند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴). خاورمیانه آن بخش از جهان است که آلفرد تایلر ماهان^۱ در ۱۹۰۲ میلادی این نام را برای این منطقه نهاد و از آن زمان با آن مصطلح گردید. منطقه‌ای که در دهه‌های بعد توسط کوهن با عنوان منطقه شکننده معرفی شد. با مرور تاریخ آن اولین چیزی که مشاهده می‌شود این است که، این منطقه کمتر روی آرامش به‌خود دیده و این حداقل در یک سده‌ونیم گذشته آشکار است. مصر، ایران، عربستان سعودی و ترکیه از نظر مساحت و جمعیت بزرگ‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه هستند (Karimipour et al., 2018).

خاورمیانه، سرزمین‌های اطراف کرانه‌های جنوبی و شرقی دریای مدیترانه که حداقل شبه جزیره عربستان و بنا به تعاریف ایران، شمال آفریقا و گاهی فراتر از آن را دربرمی‌گیرد. بخش مرکزی این منطقه عمومی قبلاً خاور نزدیک نامیده می‌شد، نامی که توسط برخی از اولین جغرافی‌دانان و مورخان مدرن غربی به آن داده شد، که تمایل داشتند آن‌چه را که شرق می‌نامند به سه منطقه تقسیم کنند. خاور نزدیک به نزدیکترین منطقه به اروپا که از دریای مدیترانه تا خلیج فارس امتداد دارد اطلاق می‌شود. در اواسط قرن بیستم، یک تعریف مشترک از خاورمیانه شامل ایالات یا سرزمین‌های ترکیه، قبرس، سوریه، لبنان، عراق، ایران، اسرائیل، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، اردن، مصر، سودان، لیبی و دولت‌ها و سرزمین‌های مختلف عربستان (عربستان سعودی، کویت، یمن، عمان، بحرین، قطر، و دولت‌های عادلانه، یا عمان واقعی (امارات متحده عربی کنونی) ارائه گردید (نظم‌فر و علوی، ۱۳۹۹). کشورهای شامل حوزه خاورمیانه در شکل ۵ قابل مشاهده می‌باشند.



شکل ۵: محدوده خاورمیانه (منبع: www.Britannica.com)

۲-۴- مسکن اجتماعی در خاورمیانه

در نمایشگاه «جهانی فکر کنید، اجتماعی بسازید!» معماری برای جهانی بهتر» که در ازمیر، سومین شهر بزرگ ترکیه برگزار شد. خلاء کمبود نمونه‌های اجرا شده در رابطه با مسکن اجتماعی در خاورمیانه کاملاً مشهود بود. این امر منجر به ایجاد سوالات بی‌شماری در اذهان گردید. این‌که چگونه می‌توان این خلاء آشکار در رابطه با معماری اجتماعی در خاورمیانه را توضیح داد. آیا طراحان تمایلی به مشارکت فعال در بهبود محیط اجتماعی خود ندارند؟ یا این‌که نهادهای حاکمیتی یا نهادهای عمومی منطقه از حمایت مالی و ساخت پروژه‌هایی برای قشر کم‌درآمد خودداری می‌کنند؟ سیل بوزدوغان^۲ در تفسیر خود در مجله بین‌المللی معماری اسلامی^۳ یکی از دلایل وجود این خلاء در کشورهای خاورمیانه را وجود جنگ‌های مداوم در این منطقه عنوان می‌کند (Kılınç & Gharipour, 2019, p. 7).

¹ Alfred Thayer Mahan

² Sibel Bozdoğan

³ International Journal of Islamic Architecture



مانند بسیاری از نقاط دیگر جهان، در شهرهای خاورمیانه، مسکن انبوه تنها یکی از راه‌حل‌هایی بوده است که در پاسخ به تلاش برای یافتن شکل مناسب «سکونت در مقیاس بزرگ» به کار گرفته شده است. این راهکار همیشه محبوب‌ترین راه‌حل نبوده است، اما اغلب از نظر اقتصادی مناسب‌ترین پاسخ برای مشکل مسکن تلقی می‌شود. در خاورمیانه، مدل‌های مسکن اجتماعی از نوع چند طبقه عمدتاً به دلیل محدودیت‌های مالی یا کمبود زمین در دسترس پدیدار شدند. برای مثال، در عراق، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ملک‌های مسکونی عمومی چند طبقه که توسط سازمان‌های دولتی مختلف ساخته شده بودند، اکثراً در کشور محبوبیت داشتند. این نوع مسکن اجتماعی در منطقه به‌طور گسترده در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رواج یافت. این روند، به تدریج در دهه ۱۹۸۰ متوقف شد، زمانی که مقررات و برنامه‌ریزی جای خود را به رشد سکونتگاه‌های غیررسمی داد. شهرهای اقماری بسیاری که زمانی به‌عنوان راه‌حلی مناسب برای متوقف کردن مهاجرت دسته‌جمعی به شهرهای بزرگ تلقی می‌شدند، در نهایت به فضاهای خالی از سکنه یا نیمه مسکونی تبدیل شدند. این شهرها منجر به ایجاد هزینه‌های اجتماعی و زیرساختی زیادی شدند (Kılınc & Gharipour, 2019, p. 8).

با افزایش مهاجرت به مراکز شهری به امید زندگی و شغل بهتر، و همچنین جنگ‌ها و درگیری‌های پایان‌ناپذیر در منطقه، باعث شکل‌گیری حلی‌آبادها در حاشیه شهرها و شهرک‌ها شد. مقیاس پیش‌بینی نشده مسکن غیررسمی در اردن، مراکش، ترکیه و یمن، دولت‌ها را مجبور کرد که به دنبال راه‌حل‌های خاص‌تری باشند، مانند رویکرد سایت‌ها و خدمات، که در آن به کاربران احتمالی، زمین و زیربنای ارزان داده می‌شود. سازمان‌ها مسکن خود را با گزینه‌های پرداخت مقرون‌به‌صرفه، بسیار کم‌هزینه‌تر از بازار می‌سازند. این عمل استراتژی دیگری برای استفاده از روش‌های کمکی در جهت تأمین مسکن اجتماعی بود، به‌ویژه زمانی که ابزارهای دولتی (مدیریت مرکزی و محلی) محدود بود. عدم تأمین مسکن اجتماعی کافی، در خاورمیانه منجر به ایجاد نوعی مسکن بومی خودساخته، از جمله سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهایمانند مصر، مراکش، تونس و ترکیه، به اشکال شهری مرسوم در شهرهای در حال گسترش تبدیل شد (Kılınc & Gharipour, 2019, p. 10).

۳- روش تحقیق

امروزه شناخت گسترده‌ای از تحقیقات کیفی و فواید آن‌ها در بسیاری از زمینه‌ها از جمله معماری و شهرسازی به وجود آمده است. روش‌شناسی این پژوهش بر اساس روش‌شناسی کیفی مبتنی بر تحلیل پنج نمونه موردی در جهت بررسی شاخص‌های پایداری اجتماعی بر مسکن اجتماعی در خاورمیانه استفاده شده است. ابتدا مروری بر ادبیات نظری موضوع شد و بر مبنای شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و تحلیل نمونه‌ها پرداخته می‌شود.

۴- نمونه‌های موردی (مجموعه‌های مسکونی در خاور میانه)

۴-۱- دلایل انتخاب نمونه‌های موردی

از آنجایی که مسکن اجتماعی مربوط به قشر کم‌درآمد جوامع می‌باشد و در بخش مرور ادبیات موضوع نیز به این مسأله اشاره شد، غالب نمونه‌های موردی در مطالعات بررسی شده پیرامون مسکن اجتماعی، در ارتباط با قشر کم‌درآمد و مسکن مقرون‌به‌صرفه مشاهده گردید. به همین جهت نمونه‌های مربوط به مسکن اجتماعی مقرون‌به‌صرفه مختص قشر کم‌درآمد مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه‌های بررسی شده براساس مطالعه و بررسی منابع مربوط به مسکن اجتماعی و اشاره به آن‌ها در این منابع انتخاب شده‌اند.



۴-۲- مسکن اجتماعی ابونصیر (اردن، امان)

در سال ۱۹۸۸ طرح جامع توسعه امان بزرگتر (GACDP)، خواستار توسعه شهر اقماری جدیدی به نام ابونصیر شد. شهر ساخته شده توسط نهضت ملی مسکن شامل ۳۶۶۷ واحد مسکونی در بلوک‌های آپارتمانی است که توسط دالان‌هایی از هم جدا شده‌اند و منازل تک‌خانواری که از طریق فضاهای باز احاطه شده‌اند. برای ایجاد وحدت بیشتر در اردن، دولت، توزیع رفاه، به‌ویژه مسکن یارانه‌ای دولتی برای شهروندان را به‌عنوان یک ضرورت مطرح نمود. مسکن عمومی تبدیل به ابزاری ملموس شد که بیشتر پیام‌های دولت مانند ملی‌گرایی و دیدگاه‌های اردنی را به‌جای هویت قبیله‌ای مطرح می‌کرد. ابونصیر نمایان‌گر آینده‌ای مدرن و جایگزینی برای زندگی قبیله‌ای، و مهم‌تر از همه، راهی برای تحقق رویای مالکیت خانه برای قشر ضعیف است. تیم مشترک پیشنهاد ساخت مسکن اقماری ابونصیر، با تعیین جوامع ساکن براساس هنجارهای اجتماعی-اقتصادی^۱، از جمله معیارهایی مانند سازگاری اقتصادی و نیاز یک منطقه به نیروی کار صنعتی را مطرح کرد. این تیم از عوامل اجتماعی مانند خویشاوندی یا سیستم اشتراکی^۲ به عنوان معیاری اساسی در ایجاد گروه‌های اجتماعی چشم‌پوشی نمود. برنامه‌ریزان، شهر را به‌عنوان محیط اجتماعی-فنی^۳ که می‌توانستند آن را کنترل کنند در نظر گرفته بودند. ابونصیر احساس تعلق اجتماعی را از طریق مکان‌های نزدیک منازل مسکونی و تأمین فضاهای باز فراهم کرد. فؤاد ملکاوی^۴، برنامه‌ریز، محقق و متخصص توسعه شهری، ده سال پس از ساخت این شهر پژوهشی بر روی آن انجام داد و به عقیده وی تیم طراحی براساس این باور که «مردم نمی‌دانند چه چیزی برای آن‌ها خوب است» نیازها و نظرات عمومی را در نظر نگرفته است. صرف‌نظر از این، تا سال ۱۹۹۹، بیست و دو هزار نفر در خانه‌های مسکونی با میانگین خانوار شش نفر، زندگی می‌کردند (Abu-Hamdi, 2019).

اکثر ساکنان زمان تکمیل این پروژه در آن‌جا ساکن شده بودند و هیچ‌یک قصد نقل مکان به محلی دیگر را نداشتند. با این حال، تمایل به ماندن، ارتباط کمتری با رضایت کلی از مسکن داشت و بیشتر مربوط به مقرون‌به‌صرفه بودن آن می‌شد. داشتن مسکن در یک منطقه شهری مناسب در امان برای قشر کم‌درآمد، خارج از این طرح توسعه غیرممکن بود. ابونصیر از مجموعه‌ای از ساختمان‌های مسکونی تشکیل شده است که طرح آن‌ها بدون شک مدرن است زیرا ایده‌آل‌های طراحی مینیمالیستی، منطقی‌سازی و استانداردسازی اجزای ساختمان که یادآور آرمان‌های سیام (CIAM) است را فرامی‌خواند. طراحی مینیمالیستی نیازهای خانوادگی یا فردی را در نظر نمی‌گرفت. طراحی ابونصیر با قوانین GACDP (قوانین مصوب ساخت مسکن اجتماعی در شهرداری‌های امان) یعنی استفاده از مصالح محلی و الگوبرداری از سبک‌های معماری بومی ارتباط کمی دارد. سمیر صبحی^۵ یکی از اعضای تیم مشترک طراحی در مصاحبه خود با ملکاوی بیان نموده که «مردم یاد خواهند گرفت که آن را بپذیرند» و آن‌ها استفاده از امکانات مختلف و اهمیت فضاهای باز را با استفاده کردن از آن‌ها خواهند آموخت (Abu-Hamdi, 2019). فرم ابونصیر براساس آپارتمان‌های جعبه‌مانند و مطابق سبک بین‌الملل شکل گرفته است یکی از نمونه‌هایی است که توسط طراحی، تغییرات اجتماعی ایجاد شده است. و فرم مدرن ابونصیر سبک زندگی مدرنی را متضمن بود که در دهه ۷۰ مورد نظر بود (Malkawi, 1996)

از آن‌جایی که مجموعه مسکونی ابونصیر در منطقه‌ای مناسب به لحاظ وضعیت اقتصادی جمعیت ساکن در آن قرار دارد، از نظر استفاده از امکانات محلی و کاربری‌های مختلط در اطراف مجموعه بهره می‌برد. اما به جهت این‌که این

¹ socioeconomic

² communalism

³ sociotechnical

⁴ Fuad Malkawi

⁵ Samir Subhi



مجموعه برای اقشار ضعیف جامعه توسط دولت و با بودجه یارانه‌ای ساخته شده است، دارای حداقل امکانات در داخل مجموعه است. آپارتمان‌ها به صورت خانه‌هایی جعبه‌مانند به پیروی از سبک بین‌المللی شکل گرفته‌اند و به همین جهت منجر به ایجاد احساس تعلق در ساکنان نسبت به مجموعه نمی‌شود. هرچند که ساکنان از سکونت در مجموعه احساس رضایت دارند، اما این امر دلیل بر عاری از معضل بودن آن نیست. بلکه صرفاً سکونت در منطقه‌ای مناسب در شهر باعث رضایت‌مندی ساکنان شده است.



شکل ۶: پاناراما پروژه ابونصیر، معمار: شیندلر، (منبع: Abu-Hamdi, 2019)

۴-۳- مسکن اجتماعی ساکن کریم (اردن، زرقاء)

در ۲۶ فوریه ۲۰۰۸، شاه‌عبدالله دوم، طرح مسکن مناسب برای زندگی شایسته را در اردن راه‌اندازی نمود. برای شروع یک برنامه پنج‌ساله برای ساخت صد هزار واحد مسکن عمومی پیشنهاد کردند که ابتدا با دوهزار و پانصد واحد برای ساکنان کم‌درآمد تا متوسط آغاز شود. همچنین اعلام شد که این مسکن به‌طور خاص برای کارمندان بخش دولتی، نیروهای مسلح، مأموران امنیتی و پرسنل نظامی بازنشسته و غیرنظامیان ساخته خواهد شد. در این پروژه، واحدها برای ساکنان بخش عمومی که تحت تسلط اردن بودند نیز در نظر گرفته شدند. این عمل درحالی‌که تحت شعار ملی‌گرایی اعلام شد، بار دیگر تقسیمات موجود را تشدید کرد. مکان‌های نامناسبی برای پروژه انتخاب گردید. اکثر سایت‌های پروژه در مناطقی که تقریباً به خدمات عمومی یا امکاناتی مانند مراکز بهداشتی، مدارس یا اتوبوس دسترسی نداشتند، واقع شده بود. در نتیجه تنها ۳۷ درصد واحدهای تکمیل‌شده و بسیار کم‌تر از نتیجه پیش‌بینی شده به فروش رسید (Abu-Hamdi, 2019).

مجموعه مسکونی ساکن کریم به‌منظور ایجاد رفاه و آسایش برای قشر ضعیف و ایجاد محیط زندگی در خور و شایسته ایجاد گردید. اما در ابتدا مکان‌یابی نادرست سایت و دور بودن از شهر، سایر کاربری‌ها، تسهیلات و خدمات شهری و ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی باعث شد، علاوه بر این که بسیاری از خانه‌ها در این مجموعه خالی از سکنه باشد، سایر ساکنان آن نیز رضایت‌مندی از سکونت در آن مکان را نداشته باشند. البته امکانات و تسهیلات مربوط به عوامل معماری در خانه‌ها فراهم گردیده‌است. اما فقدان سایر معیارهای مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی در اصول اولیه طراحی مجموعه ساکن کریم منجر به عدم ایجاد احساس تعلق به مجموعه در ساکنان آن شده است.



شکل ۷: پروژه مسکن دولتی (ساکن کریم) (منبع: Abu-Hamdi, 2019)



۴-۴- مسکن اجتماعی باشاکشهر^۱ (ترکیه، استانبول): (استفاده از مسکن برای ساخت جامعه اسلامی)

یکی از پروژه‌های اولیه در طرح‌های ساماندهی مسکن اجتماعی در ترکیه، باشاکشهر در حاشیه غربی شهر بود. این نام به برگ گندم اشاره داشت که یک حرکت نمادین در راستای ساخت مسکن برای اقشار کم‌درآمد محسوب می‌شد. ساخت مجموعه باشاکشهر به‌عنوان مسکن اجتماعی در یک منطقه صنعتی در استانبول در سال ۱۹۹۴ آغاز شد. ساخت باشاکشهر بدون طرحی از پیش طراحی شده بود، با این‌وجود به‌عنوان یک شهرک‌سازی اسلام‌گرا شناخته شده است و همه جنبه‌های فعالیت اسلام‌گرایان در شکل‌دادن به زندگی روزمره و همچنین کمبودهای آن را در برمی‌گیرد (Batuman, 2019). باشاکشهر که در چهار فاز شکل گرفت، فاز اول به‌عنوان مسکن اجتماعی ساخته شد و بعداً توسط خانواده‌های متدین طبقه متوسط اشغال شد. موقعیت باشاکشهر به‌عنوان یک موقعیت مناسب برای مسکن اجتماعی در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دلیل نزدیکی آن به منطقه صنعتی Ikitelli Organized در نظر گرفته شده بود. ساکنان این پروژه نه تنها فقر و ناامنی بلکه شهرت بد اجتماعی را پشت‌سر گذاشتند. در نتیجه ساختمان‌ها قبل از شروع ساخت به فروش رسیدند. در فازهای آتی ساخت یک منطقه تفریحی در کنار مجموعه در نظر گرفته شد. این مجموعه شامل کافه‌ها، رستوران‌ها و مکان‌های ورزشی و همچنین فضاهای باز و بسته برای عملکردهای مختلف مانند آمفی‌تئاتر، تالار عروسی و مسجدی بود و برای امنیت بیشتر مجموعه اطراف آن حصار و دروازه کشیده شد. یکی از اصول این پروژه، دگرگونی مسکن فقرا است (Batuman, 2019).

با توجه به بررسی و تحلیل معیارهای پایداری اجتماعی بر مجموعه مسکونی باشاکشهر مشخص گردید، آن‌چه که این مجموعه را از سایر مجموعه‌های مشابه آن متمایز می‌کند، وجود ساکنان همگن به‌لحاظ فرهنگ و مذهب می‌باشد، که این مسأله خود باعث ایجاد تمایل به مشارکت و تعاملات اجتماعی می‌شود. همراهی با افرادی که ارزش‌های اخلاقی مشابه دارند و حس منسجم جامعه که توسط همگنی نسبی جمعیت ایجاد شده است. ساکنان احساس می‌کنند که سبک زندگی خود را با همسایگان مؤمن و مغازه‌داران «خداترس» (صادق) به‌اشتراک گذاشته‌اند. آن‌ها معتقدند که مذهب، باشاکشهر را امن کرده است: «زنان از بیرون رفتن در شب نمی‌ترسند». از طرفی طراحی مجموعه مطابق خواست و نیازهای ساکنان نیز منجر به ایجاد حس تعلق به این مکان و رضایتمندی آن‌ها شده است. آنچه در سازمان فضایی اولیه باشاکشهر قابل توجه است کمبود فضا برای معاشرت‌های اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی است. اما این فقدان را باید در رابطه با سیاست جنسیتی درک کرد. زیرا باشاکشهر به‌عنوان محیط مسکونی با ساکنان مذهبی محسوب می‌شود، از این‌رو اجتماعات زنان خصلت نیمه‌عمومی به‌خود می‌گیرد. این فعالیت‌های جنسیتی به فعالان اسلام‌گرا اجازه می‌دهد تا از روابط همسایگی برای انتشار دیدگاه‌ها و فعالیت‌های مذهبی خود استفاده کنند و در مقابل، توسعه اجتماعی خارج از خانواده را برای زنان مشروع و تسهیل می‌کند. بنابراین، فقدان فضا برای تعاملات اجتماعی در باشاکشهر، تقریباً یک ویژگی طبیعی است، زیرا شهرک مسکونی به‌عنوان یک فضای زنانه که در آن مردان در طول روز غایب هستند ادراک می‌شود.



شکل ۸: پروژه مسکن دولتی (سکان کریم) (منبع: Abu-Hamdi, 2019)

¹ Başakşehir



۴-۵- مسکن اجتماعی کاراکائورن (ترکیه، آنکارا):

این پروژه نمونه بارز تلاش‌های بازآفرینی شهری اسلام‌گرایان نئولیبرال و تعیین رهنمودهایی برای نمونه‌های آینده بود. از آنجایی که جاده فرودگاه، در حکم دروازه‌ای به پایتخت بود، پروژه به‌عنوان یک تعهد ملی ارائه شد. خانواده‌هایی که در این مجموعه ساکن شدند، موظف به پرداخت اقساط ماهانه بیش از پانزده سال برای آپارتمان نود متری بودند. افراد بدون مشاغل دائم اغلب منصرف می‌شدند و تصمیم به فروش سهم خود می‌گرفتند. همچنین در مواردی که افراد بسیار فقیر بودند یا به دلیل هویت قومی خود (روماها و کردها) به حاشیه رانده شدند. فاصله نسبتاً زیاد این مجتمع‌ها به مراکز شهرها، کمبود امکانات اجتماعی در آن‌ها، و سطح فقر منجر به زوال سریع، کاهش قیمت آپارتمان و مشکلات اجتماعی مانند مصرف مواد مخدر و جرم و جنایت شد. در این مجموعه، کنترل محیط اجتماعی همیشه در دست شرکت‌های مدیریتی است. این وضعیت نه تنها حق ساکنان نسبت به محیطشان را سلب می‌کند بلکه آن‌ها را مجبور به پذیرش انضباط از طریق قوانین، مقررات و کارکنان شرکت می‌نماید (Batuman, 2019).

در مجتمع‌های مسکونی جدید، افراد با قوانین مکتوب منع «استفاده نادرست» از محیطزیست آشنا می‌شوند، مانند گسترش فعالیت‌های داخلی (آشپزی، پذیرایی از مهمانان، رشد سبزیجات و غیره) به بیرون و نقض تمایز واضح فضاهای عمومی و خصوصی. این قوانین با الگوهای زندگی روزمره برای ساکنان در تضاد است و اغلب به ساکنان توسط کارکنان امنیتی هشدار داده می‌شود. رفتارهای «عادی» در پارک (مانند پا گذاشتن روی چمن و خوردن دانه‌های آفتابگردان) معمولاً در مجموعه‌های ساخته شده دیده می‌شود. از ساکنان انتظار می‌رود روی نیمکت‌ها بنشینند نه روی چمن؛ اما هنوز آن‌ها ترجیح می‌دهند قالیچه‌های خود را همراه با چای خود برای دراز کشیدن روی چمن‌ها بیاورند. در زمینه فرهنگی دولت یا شهرداری برای فعالیت این جوامع دینی در راستای اسلامی کردن زندگی روزمره شهروندان فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند، مشروط بر اینکه جامعه از طریق تشکلهای قابل پیگیری و ثبت شده مانند انجمن‌ها، بنیادها یا شرکت‌ها فعالیت کند (Batuman, 2019). با توجه به سکونت قشر ضعیف و حاشیه‌نشین در مجموعه مسکونی کاراکائورن، به سرعت تبدیل به محله‌ای جرم‌خیز و مکان خرید و فروش مواد مخدر شده است. در واقع نوع طراحی در این مجموعه با فرهنگ مردم منطقه سازگاری نداشته و موجب عدم رضایت ساکنان و همچنین مدیران مجموعه شده است.



شکل ۹: مسکن اجتماعی در ورودی شمالی شهر آنکارا (منبع: Batuman, 2019)

۴-۶- مسکن اجتماعی Omorphita (نیکوزیا، قبرس):

این پروژه در منطقه‌ای در شمال شرقی پایتخت، نزدیک به مرکز شهر نیکوزیا واقع است. طرح به دلیل ارزان قیمت بودن و قرارگیری در یک منطقه صنعتی با تعداد زیادی کارگر، برای قشر ضعیف ایده‌آل تلقی می‌شد نزدیکی به مرکز شهر و همچنین دسترسی به خدمات عمومی در روستای مجاور (اومورفیتا) که نام خود را به پروژه مسکن اختصاص داد، از دیگر مزیت‌های این طرح بود. خانه‌ها در این مجموعه، دارای یک فضای نیمه‌باز در ورودی، اتاق نشیمن، آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی در طبقه همکف؛ دو اتاق خواب در طبقه اول، و یک ایوان کوچک، در طبقه اول و ۴۸ متر مربع برای



هر یک از اعضای یک خانواده پنج نفره وجود داشت. سازماندهی فضایی خانه در حال پیش برد حالت جدیدی از تعامل خانوادگی و حریم خصوصی بود. برخلاف اتاق‌های چند منظوره‌ی خانه‌های بومی در قبرس، که معمولاً با هدف اسکان خانواده‌های پرجمعیت قرار می‌گرفتند، پلان‌های خانه‌ها، کاربری‌های خاص و جداگانه را برای هر اتاق تعیین می‌کردند و براساس مدل خانواده ساده اروپایی (پدر و مادر و بچه‌ها) طراحی شده بود. تنها عنصری در پلان که به ترجیحات فضایی محلی و زندگی خانوادگی اشاره می‌کرد، فضای نیمه باز در ورودی بود، به این معنا که یادآور iliakos، فضای نیمه باز که معمولاً در نمای جنوبی خانه‌های بومی قرار داشت، بود. iliakos قلب فضای اجتماعی خانه در روزهای گرم سال بود. اما در این مجموعه، فضای نیمه باز نسبتاً کوچک‌تر از یک iliakos معمولی بود و نمی‌توانست جایگزین نقش مهم فضایی و اجتماعی آن شود (Sioulas & Pyla, 2019).

طرح جامع پروژه مسکن اومورفیتا شامل یک مدرسه، دو مغازه، یک زمین فوتبال و یک کافی شاپ با پیروی از اصل مدرنیستی واحدهای محله‌ای خودکفا بود. ساختمان‌ها مانند مراکز بهداشتی و خانه‌های مدیران مدرسه با همان اصل صرفه جویی در مصالح طراحی شد، در حالی که ارجاعات تاریخی را نیز در برمی‌گیرد. به‌عنوان مثال، مغازه‌ها در امتداد خطوط یک کیوسک عثمانی طراحی شده بودند. کافی شاپ نیز، که در فضای عمومی گنجانده شده بود، ظاهراً برای تقویت تعامل اجتماعی بین ساکنان، آگاهانه به گذشته عثمانی جزیره اشاره می‌کرد. برای مقامات انگلیسی، ایجاد باغ در پروژه‌هایی مانند Omorphita به‌طور قطعی تغییراتی را در ذهنیت محلی ایجاد می‌کند که جامعه شهری را به عادات بریتانیا نزدیک‌تر کند. در واقع، برخلاف حیاط‌های درون‌گرای محلی، باغ‌ها رابطه‌ای بین مسکن و خیابان ایجاد کردند که از نظر سایه‌اندازی و افزایش گرما، ضدشهری و کمتر کارآمد بود. تعداد زیاد ساکنان در هر واحد، فضای محدود و عادات ساکنان منجر به چندین تغییر پس از اجرا شد. به‌عنوان مثال، اتاق‌های نشیمن به اتاق خواب تغییر یافت. یا باغ‌ها با معرفی سازه‌های سقف سبک، به فضاهایی برای وظایف کار خانگی مبدل شد. پروژه اومورفیتا ممکن است بسیاری از مشکلاتی را که پروژه چند طبقه اولیه با آن مواجه بود برطرف کرده باشد، اما بحران مسکن را برای قشر کم‌درآمد چندان کاهش نداد، زیرا تنها تعداد کمی از خانواده‌ها را در خود جای داد (Sioulas & Pyla, 2019).



شکل ۱۰: ردیفی از خانه‌ها در محله کارگران اومورفیتا، نیکوزیا، ۱۹۴۶ منبع: (Sioulas & Pyla, 2019)

۵- یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده پیرامون نمونه‌های موردی مسکن اجتماعی، ویژگی‌های هر یک از نمونه‌ها مطابق شاخص‌های پایداری اجتماعی استخراج شده در بخش ادبیات نظری موضوع، در قالب جدول شماره ۳ ارائه می‌گردد.

جدول ۳: نحوه عملکرد نمونه‌های موردی بررسی شده در ارتقای پایداری اجتماعی

معیار پایداری اجتماعی	مسکن اجتماعی ابونصیر
جمعیتی	شرح عملکرد مسکن اجتماعی ابونصیر در رابطه با پایداری اجتماعی
کیفیت محیط زندگی	تأمین مسکن برای جمعیت کم‌درآمد و ضعیف، با تحصیلات نسبتاً پایین. به جهت قرارگیری پروژه در منطقه خوب شهر، ساکنان از امکانات مناسبی بهره می‌برند. قرارگیری پروژه در منطقه‌ای مناسب در امان و دارای کیفیت مناسب هوا، آب سالم و در دسترس و بدون آلودگی‌ها.



مسکن مقرون به صرفه، غیرمشارکتی، مالکیت شخصی مسکن در منطقه‌ای مناسب در امان توسط اقشار ضعیف جامعه.	مسکن
پروژه دارای یکپارچگی و پیوستگی کالبدی و خوانایی می‌باشد. تراکم نسبتاً بالا، فشردگی بافت مجموعه و فرم جعبه‌مانند آپارتمان‌ها از جمله مواردی است که در این معیار در پروژه ابونصیر دارای ضعف می‌باشد.	مطلوبیت کالبدی
عدم رعایت مسائلی چون مردم‌محوری، پیاده‌مداری، دوچرخه‌محوری و قلمرو عمومی محله در پروژه ابونصیر	محله محوری
مطرح شدن توزیع رفاه، به ویژه مسکن یارانه‌ای توسط دولت برای شهروندان به‌عنوان یک ضرورت در این پروژه؛ تبدیل شدن مسکن عمومی به ابزاری ملموس برای انتقال پیام‌های دولت چون ملی‌گرایی به‌جای هویت قبیله‌ای.	عدالت اجتماعی
وجود امنیت و ایمنی نسبی در پروژه.	امنیت و قلمروگرایی
نحوه طراحی در ابونصیر به‌گونه‌ای است که تشویق‌کننده تعاملات اجتماعی میان ساکنان نمی‌باشد.	تعاملات اجتماعی
طراحی مینیمالیستی و پیروی از سبک بین‌الملل در ابونصیر و ارتباط ضعیف آن با الگوهای سنتی معماری در این منطقه منجر به عدم ایجاد حس تعلق به مکان گردیده است.	هویت، حس تعلق
در نظر گرفتن حداقلی مسایل کالبدی معماری و آسایش.	عوامل معماری
مسکن اجتماعی ساکن کریم	
معیار پایداری اجتماعی	
شرح عملکرد مسکن اجتماعی ساکن کریم در رابطه با پایداری اجتماعی	
تأمین مسکن برای جمعیت کم‌درآمد جامعه.	جمعیتی
عدم دسترسی به امکانات و تسهیلات	کیفیت محیط زندگی
ایجاد مسکن با امکانات حداقلی و مقرون به صرفه در مجموعه ساکن کریم.	مسکن
عدم یکپارچگی فضایی و پیوستگی کالبدی مجموعه با بافت اطراف و تراکم بالا در مجموعه. ظاهر یکنواخت آپارتمان‌ها و گسستگی آن‌ها از هم منجر به ناخوانا بودن فضاها، عدم دسترسی مناسب، عدم یکپارچگی فضایی و پیوستگی کالبدی در مجموعه شده است.	مطلوبیت کالبدی و خوانایی
فقدان مواردی چون مردم‌محوری، پیاده‌مداری و دوچرخه‌محوری در طراحی مجموعه مسکونی ساکن کریم.	محله محوری
-	عدالت اجتماعی
خلوت و خالی از کاربری بودن اطراف مجموعه، منجر به کاهش احساس امنیت شده است.	امنیت و قلمروگرایی
فقدان فضاهای جهت تعاملات اجتماعی و جمع شدن ساکنان باعث عدم تمایل آن‌ها به فعالیت‌های جمعی در مجموعه، از قبیل شناخت همسایه، معاشرت، کمک، اعتماد و مشارکت عمومی شده است.	تعاملات اجتماعی
عدم استفاده از هویت و فرهنگ منطقه در طراحی منجر به فقدان حس تعلق به آن در ساکنان شده است.	هویت، حس تعلق
عوامل معماری نسبتاً در مسکن مجموعه در نظر گرفته شده است.	عوامل معماری
مسکن اجتماعی باشاکشهر	
معیار پایداری اجتماعی	
شرح عملکرد مسکن اجتماعی باشاکشهر در رابطه با پایداری اجتماعی	
هدف اولیه طرح، تأمین مسکن برای فقرا بود، اما قشر متوسط مذهبی در آن سکنی گزیدند.	جمعیتی
در نظر گرفتن کافه‌ها، رستوران‌ها و مکان‌های ورزشی و همچنین فضاهای باز و بسته برای عملکردهای مختلف مانند آمفی‌تئاتر، تالار عروسی و مسجد از جمله امکانات تفریحی-رفاهی مجموعه مسکونی باشاکشهر می‌باشد که منجر به رضایت‌مندی ساکنان آن شده است.	کیفیت محیط زندگی
ایجاد مسکن مناسب، مقرون به صرفه و باثبات در مجموعه مسکونی باشاکشهر.	مسکن
یکپارچگی کالبدی، خوانایی، تنوع تراکم در آپارتمان‌ها منجر به ایجاد مطلوبین کالبدی در مجموعه شده است. قابل فهم بودن فضاها، دسترسی مناسب، یکپارچگی فضایی و پیوستگی کالبدی نسبی در مجموعه باشاکشهر.	مطلوبیت کالبدی و خوانایی
از آن جایی که استفاده زنان و کودکان در طراحی مجموعه باشاکشهر دارای اهمیت بوده، مردم‌محوری و پیاده‌مداری، در این مجموعه مورد نظر طراحان قرار گرفته است.	محله محوری
وجود برابری، تساوی، برابری جنسیتی و اعتماد اجتماعی در مجموعه مسکونی باشاکشهر.	عدالت اجتماعی
ایجاد امنیت نسبی و قلمرو در مجموعه با ساخت حصار و دروازه در محدوده اطراف آن.	امنیت و قلمروگرایی
تمایل به فعالیت در محیط مسکونی و شناخت همسایه، معاشرت، کمک، اعتماد و مشارکت عمومی به جهت همگن بودن ساکنان مجموعه به لحاظ فرهنگ و مذهب.	تعاملات اجتماعی
تطابق طراحی مکان‌های عمومی و خصوصی مجموعه با فرهنگ و هویت ساکنان آن منجر به ایجاد حس تعلق به مکان، و جامعه و ایجاد هویت شده است.	هویت، حس تعلق

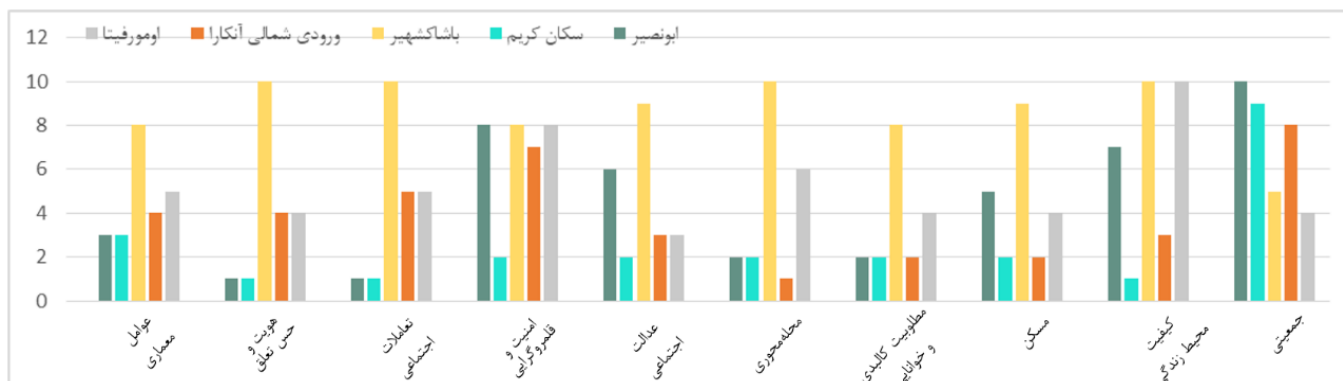


عوامل معماری	وجود راحتی حرارتی، بصری، آکوستیک و هوای داخلی ساختمان، نور، مسایل کالبدی معماری و آسایش اقلیمی در مجموعه مسکونی باشاکشهیر.
مسکن اجتماعی کاراکائورن	
معیار پایداری اجتماعی	شرح عملکرد مسکن اجتماعی کاراکائورن در رابطه با پایداری اجتماعی
جمعیتی	تأمین مسکن برای قشر ضعیف جامعه.
کیفیت محیط زندگی	فاصله زیاد مجموعه از مرکز شهر و کمبود امکانات و عدم دسترسی به تسهیلات و نهایتاً عدم رضایت‌مندی ساکنان.
مسکن	تأمین مسکن مقرون‌به‌صرفه با حداقل امکانات.
مطلوبیت کالبدی و خوانایی	شکل کالبدی نسبتاً یکنواخت مجموعه و تراکم بالا.
محلّه محوری	فقدان عواملی چون مردم‌محوری، پیاده‌مداری و دوچرخه‌محوری در مجموعه مسکونی شمال آنکارا.
عدالت اجتماعی	-
امنیت و قلمروگرایی	وجود امنیت نسبی
تعاملات اجتماعی	وجود مکان‌هایی جهت تعاملات اجتماعی
هویت، حس تعلق	عدم تطابق طراحی مجموعه با الگوهای رفتاری پایدار ساکنان منجر به عدم ایجاد حس تعلق به مکان و جامعه شده است و در نتیجه آن تغییرات زیادی از سوی ساکنان به مرور زمان در مجموعه رخ داده است.
عوامل معماری	عوامل معماری به‌طور حداقلی در مجموعه ایجاد شده است.
مسکن اجتماعی اومورفیتا	
معیار پایداری اجتماعی	شرح عملکرد مسکن اجتماعی اومورفیتا در رابطه با پایداری اجتماعی
جمعیتی	تأمین مسکن برای قشر ضعیف و کارگر جامعه.
کیفیت محیط زندگی	نزدیکی به مرکز شهر و همچنین دسترسی به خدمات عمومی در روستای مجاور (اومورفیتا)
مسکن	تأمین مسکن مقرون‌به‌صرفه با حداقل امکانات.
مطلوبیت کالبدی و خوانایی	شکل کالبدی نسبتاً یکنواخت مجموعه.
محلّه محوری	وجود عواملی چون مردم‌محوری با در نظر گرفتن فضاهایی مطابق با معماری و اصول گذشته در مجموعه.
عدالت اجتماعی	-
امنیت و قلمروگرایی	وجود امنیت نسبی در مجموعه.
تعاملات اجتماعی	تمایل نسبی به فعالیت در محیط مسکونی
هویت، حس تعلق	تا حدودی فضاهای بومی در نظر گرفته شده، اما کاربردی نبودن آن‌ها منجر به عدم حس تعلق و تغییرات کالبدی در خانه‌ها شده است.
عوامل معماری	راحتی نسبی حرارتی، بصری، آکوستیک و هوای داخلی ساختمان، نور، مسایل کالبدی معماری.

براساس یافته‌های پژوهش، دو پروژه سکان کریم و کاراکائورن در پایین‌ترین سطح از به‌کارگیری شاخص‌های پایداری اجتماعی قرار گرفتند. عامل مشترک در این دو مجموعه، دور بودن از مرکز شهر و عدم دسترسی مناسب به امکانات و تسهیلات است. عدم رضایت ساکنان در این دو مجموعه وجود داشت، از این رو این عامل نقش مؤثری می‌تواند در میزان رضایت‌مندی ساکنان داشته‌باشد. در میان نمونه‌های مورد مطالعه، مسکن اجتماعی باشاکشهیر، در سطح بالایی از میزان به‌کارگیری شاخص‌های پایداری اجتماعی قرار دارد. تفاوت این مجموعه با سایر نمونه‌ها، در این است که طراحی آن مطابق الگوهای رفتاری پایدار، سبک زندگی، نیازها و فرهنگ ساکنان مجموعه صورت گرفته است. مکان‌یابی مناسب پروژه، باعث شده تا شاخص‌های کیفیت محیط زندگی و رضایت‌مندی ساکنان در سطح بالایی قرار گیرند. همچنین طراحی فضاهای عمومی کاملاً مطابق نوع رفتار مردم مسلمان انجام شده که موجب شکل‌گیری شاخص‌های تعاملات اجتماعی، سرزندگی و زیست‌پذیری، هویت و حس تعلق در میان ساکنان مجموعه شده است. متقابلاً پروژه سکان کریم دارای کمترین میزان



امتیاز به لحاظ به کارگیری شاخص‌های پایداری اجتماعی است. سکونت قشر ضعیف و عدم رسیدگی به مجموعه، منجر به افزایش میزان جرم‌خیزی و کاهش امنیت شده است. همچنین دوری از مرکز شهر نیز عاملی مؤثر در کاهش ارزش‌های پروژه به لحاظ معیارهای پایداری می‌باشد.



شکل ۱۱: میزان به کارگیری شاخص‌های پایداری اجتماعی در نمونه‌های مسکن اجتماعی بررسی شده در خاورمیانه

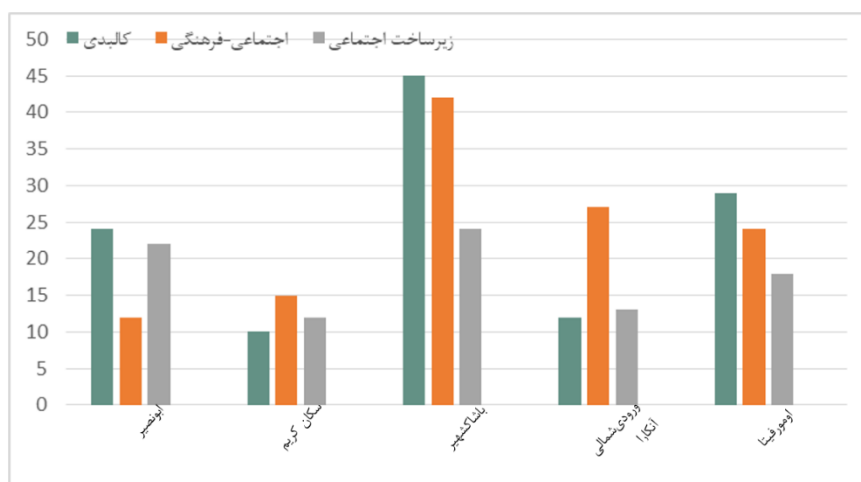
در میان نمونه‌های بررسی شده دو مجموعه ابونصیر و اومورفیئا در سطح قابل قبولی از میزان به کارگیری شاخص‌ها قرار دارند. هرچند که این دو مجموعه نیز با حداقل کیفیت‌ها از لحاظ طراحی و ساخت شکل گرفته‌اند. اما آن‌چه که این دو پروژه را از پروژه‌های مسکن کریم و کاراکائورن (ورودی شمالی شهر آنکارا) متمایز می‌سازد، موقعیت مکانی مناسب آن‌ها و برخورداری از امکانات، تسهیلات و خدمات موجود در مراکز شهری است. اهمیت این معیار در این است که در میزان تحقق سایر معیارها بسیار مؤثر می‌باشد. به طور کلی همان‌طور که در شکل ۱۱ نیز مشاهده می‌شود، مجموعه باشاکشهر در بالاترین سطح از به کارگیری شاخص‌های مؤثر بر ارتقای پایداری اجتماعی قرار دارد، بعد از آن دو مجموعه ابونصیر و اومورفیئا در سطح متوسطی نسبت به سایر نمونه‌های مورد مطالعه می‌باشند. مجموعه‌های کاراکائورن و مسکن کریم نیز در پایین‌ترین سطح به لحاظ به کارگیری معیارهای مؤثر در ارتقای پایداری اجتماعی قرار دارند. میزان به کارگیری معیارهای پایداری اجتماعی در نمونه‌های مورد مطالعه مسکن اجتماعی در قالب جدول شماره ۴ ارزش‌گذاری و مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

جدول ۴: مقایسه تطبیقی نمونه‌های مسکن اجتماعی مورد مطالعه بر مبنای ارزش‌گذاری معیارهای پایداری اجتماعی

عوامل معماری	هویت و حس تعلق	تعاملات اجتماعی	امنیت و قلمروگرایی	عادات اجتماعی	محل‌محوری	مطالبات کالبدی و خوانایی	مسکن	کیفیت محیط زندگی	جمعیتی	معیارهای پایداری اجتماعی
										نمونه مورد مطالعه
										مسکن اجتماعی ابونصیر
										مسکن اجتماعی سکان کریم
										مسکن اجتماعی باشاکشهر
										مسکن اجتماعی ورودی آنکارا
										مسکن اجتماعی اومورفیئا



آنچه از مقایسه تطبیقی نمونه‌های مسکن اجتماعی مورد مطالعه مشخص می‌گردد، عوامل معماری که در آسایش ساکنان تأثیر بسزایی دارد، در غالب پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شود. در نمونه‌ها فقط پروژه باشاکشهیر در این مورد دارای امتیاز بیشتری نسبت به سایر پروژه‌ها می‌باشد. متقابلاً عامل امنیت و قلمروگرایی در غالب پروژه‌ها دارای امتیاز نسبتاً بالایی است. از این جهت که پروژه‌ها محصور و نزدیک به مراکز شهری و مکان‌های نسبتاً شلوغ شهر می‌باشند، ساکنان آن‌ها در رابطه با امنیت و حریم پروژه احساس رضایت دارند. در میان نمونه‌های مورد مطالعه، پروژه سکان کریم به دلیل دور بودن از مرکز شهر و خالی از کاربری بودن محیط اطراف پروژه دارای امتیاز پایینی در مورد شاخص امنیت می‌باشد.



شکل ۱۲: مقایسه تطبیقی نمونه‌های مسکن اجتماعی مورد مطالعه براساس شاخص‌های اصلی پایداری اجتماعی در مقایسه کلی پنج نمونه مورد مطالعه، می‌توان گفت پروژه باشاکشهیر در رتبه اول، پروژه اومورفیئا در رتبه دوم، پروژه ابن‌نصیر در رتبه سوم، پروژه آراکاتورن در رتبه چهارم و پروژه سکان کریم در رتبه آخر به لحاظ به‌کارگیری شاخص‌های پایداری اجتماعی قرار دارند. اما در رابطه با مقایسه نوع معیارهای پایداری اجتماعی به‌کارگرفته در پروژه‌ها، شاخص اجتماعی-فرهنگی در بیشترین میزان نسبت به سایر شاخص‌ها قرار دارد، شاخص کالبدی در رتبه دوم و شاخص زیرساخت اجتماعی در کمترین میزان به‌کارگیری در پروژه‌ها قرار گرفته است.

۶- نتیجه‌گیری

از میان شاخص‌های بررسی شده در نمونه‌های مورد مطالعه، شاخص جمعیتی و کیفیت محیط طبیعی دارای بیشترین میزان به‌کارگیری می‌باشند. از این لحاظ که غالب پروژه‌ها برای قشر ضعیف جامعه ساخته شده و این یکی از اصول اولیه مسکن اجتماعی می‌باشد، این شاخص در موقعیت مناسبی قرار گرفته است. و از این جهت که مکان‌یابی پروژه‌ها اغلب در خارج از شهر و به‌دور از مرکز شهر و شلوغی‌های آن هستند، به لحاظ کیفیت محیط طبیعی و عدم آلودگی‌ها در موقعیت مناسبی قرار دارند. از نظر شاخص کیفیت محیط زندگی دو مجموعه که در خارج از شهر قرار گرفته‌اند از رفاه، امکانات و تسهیلات مناسبی برخوردار نیستند. یک عامل مشهود در یافته‌های پژوهش، عدم مطلوبیت کالبدی در غالب پروژه‌ها می‌باشد. این امر نشان‌دهنده انبوه‌سازی صرف بدون در نظر گرفتن کیفیت‌های کالبدی و محیطی در اکثر مجموعه‌های مسکن اجتماعی می‌باشد. از آنجایی که مجموعه‌های مورد مطالعه، مسکن اجتماعی از نوع محصور می‌باشند، تا حدودی امنیت در آن‌ها برقرار است. اما در مکان‌هایی که جرم‌خیز می‌باشد، محصور کردن نیز پاسخی برای ایجاد امنیت نمی‌باشد.



از آن جایی که مسکن اجتماعی مورد مطالعه غالباً ظاهری یکنواخت و با مسیرهایی با عرض یکسان طراحی شده‌اند، شاخص خوانایی دارای میزان مطلوبی نمی‌باشد. همچنین عامل مذکور منجر به فقدان هویت و حس تعلق در ساکنان نیز شده است. شاخص تعاملات اجتماعی با توجه به سبک طراحی در نمونه‌های مورد مطالعه متفاوت است و این عامل بسیار وابسته به تعبیه فضاهایی از پیش طراحی شده در مکان‌های عمومی می‌باشد. از این جهت که در ساخت مسکن اجتماعی، عامل مقرون به صرفه بودن حائز اهمیت می‌باشد، اغلب حداقل‌ها در مراحل طراحی، ساخت و اجرا به کار گرفته شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد در نظر گرفتن شاخص‌های پایداری اجتماعی در طراحی به‌ویژه فضاهای عمومی در پروژه‌های مسکن اجتماعی موجب تداوم حضور ساکنان در درازمدت در مسکن خود می‌باشد. لازم به ذکر است صرفاً ادامه زندگی در این گونه مجموعه‌ها نشان‌دهنده رضایت ساکنان آن نمی‌باشد و در غالب موارد به دلیل فقر، ناگزیر به پذیرش مسکنی در قالب یک سرپناه خواهند شد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در طراحی محیط‌های مسکونی، به‌ویژه برای قشر کم‌درآمد، مشارکت ساکنان در مراحل طراحی و حتی اجرا می‌تواند موجبات رضایت‌مندی آن‌ها را فراهم آورده و موفقیت پروژه را تضمین نماید. همچنین این موضوع خود منجر به شکل‌گیری سایر شاخص‌های پایداری اجتماعی شده و به دنبال آن هویت، حس تعلق به مکان، تمایل به شرکت در فعالیت‌های جمعی، تعاملات اجتماعی و سایر موارد مربوط به پایداری اجتماعی که در مطالب پیشین بیان شده است، در میان ساکنان مجموعه شکل خواهد گرفت. وجود احساس تعلق در ساکنان باعث رسیدگی بیشتر به محیط زندگی خود و در نتیجه افزایش امنیت به‌طور طبیعی خواهد شد. علاوه بر مشارکت ساکنان، مکان‌یابی پروژه‌ها نیز در فراهم نمودن رفاه، امکانات و زیرساخت‌ها بسیار موثر می‌باشد.

در رابطه با میزان در نظر گرفتن شاخص‌های کلی پایداری اجتماعی، آن‌چه که از مقایسه تطبیقی نمونه‌های مسکن اجتماعی مورد مطالعه حاصل گردید، نشان‌دهنده عدم مکان‌یابی صحیح پروژه‌ها به لحاظ تأمین زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز ساکنان می‌باشد. یکی از دلایل اصلی نارضایتی ساکنان از مجموعه‌ها، عدم دسترسی مناسب به امکانات است. در نظر گرفتن نیاز ساکنان، سبک و شیوه زندگی و مشارکت آن‌ها در مراحل مختلف پروژه، منجر به ایجاد طرحی با انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری بیشتری خواهد شد. با توجه به این که تعداد نمونه‌های موردی در این پژوهش محدود می‌باشد، بنابراین تعمیم نتایج آن در سایر پژوهش‌ها باید با احتیاط صورت گیرد.

مراجع

- پوردیهیمی، ش. مدنی، ر. موسوی‌نیا، ف. (۱۳۹۶) "عوامل کالبدی مؤثر بر ادراک تراکم در محیط‌های مسکونی نمونه موردی: محلات مسکونی شهر مشهد"، نشریه مطالعات معماری ایران، سال ۲، شماره ۱۱.
- پوردیهیمی، ش. مشایخ فریدنی، س. نورتقانی، ع. (۱۳۹۲) "هویت و مسکن: بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنان و محیط مسکونی"، نشریه مسکن و محیط روستا، سال ۳۲، شماره ۱۴۱.
- حسینی، ه. (۱۳۹۷) "بررسی سیاست‌های جهانی در زمینه تأمین مسکن مقرون به صرفه و ارائه ساز و کار پیشنهادی برنامه‌ریزی مسکن در ایران"، نشریه معماری شناسی، سال ۱، شماره ۱.
- دانشپور، ع. روستا، م. (۱۳۹۲) "چهارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان‌بینی اسلامی و سنت شهرسازی مسلمانان"، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
- دانشپور، ع. شیعه، ا. روستا، م. (۱۳۹۳) "تدوین مدل ساختاری عوامل مکانی مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری به کمک تحلیل عاملی و تحلیل مسیر"، نشریه مدیریت شهری، سال ۱۳، شماره ۳۵.



- زارع شاه‌آبادی، ا. حاجی‌زاده میمندی، م. زارع بیدکی، خ. (۱۳۹۲) "سنجش پایداری اجتماعی در بین محله‌های قدیم و جدید شهر یزد"، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۳، شماره ۷.
- زاهدی، ش. نجفی، غ. (۱۳۸۴) "بسط مفهومی توسعه پایدار"، نشریه مدرس علوم انسانی، سال ۱۰، شماره ۴.
- سجادی قائم‌مقامی، پ. پوردیپیمی، ش. ضرغامی، ا. (۱۳۸۹) "اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی از دید صاحب‌نظران و متخصصان ایرانی"، نشریه صفه، شماره ۵۱.
- شیعه، ا. دانشپور، سید ع. روستا، م. (۱۳۹۳) "تدوین مدل شاخصهای مکانی پایداری اجتماعی به کمک روش دلفی و تکنیک شانون"، نشریه آرمانشهر، سال ۷، شماره ۱۹.
- عباسی، ا. پورجم، ب. ماندگار، ع. (۱۳۹۴) "بررسی تطبیقی جایگاه ارتباطی خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر حوزه‌های خاورمیانه"، نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۲، شماره ۸.
- علایی، ا. یزدانفر، ع. حسینی، ب. نوروزیان ملکی، س. (۱۳۹۸) "معیارهای مؤثر در سنجش پایداری اجتماعی مسکن"، نشریه معماری و شهرسازی، سال ۳۰، شماره ۸۸.
- علیزاده، ه. ایران‌دوست، ک. برآور، م. (۱۳۹۲) "سنجش پایداری اجتماعی محلات بر اساس دیدگاه ساکنان (نمونه موردی: محله فیض‌آباد شهر کرمانشاه)"، نشریه آرمانشهر، سال ۴، شماره ۴۷.
- فرخی‌راد، ا. فروتن، م. (۱۳۹۴) "بهبود فضاهای جمعی مسکونی در جهت ارتقاء پایداری اجتماعی: راهکارها و تدابیر طراحی در مجتمع‌های مسکونی"، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۳، شماره ۱۲.
- محمودی، ا. منصورپور، م. (۱۳۹۶) "بررسی جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات اجتماعی محلات مسکونی"، نشریه هویت شهر، سال ۱۱، شماره ۳۱.
- مشکینی، ا. برهانی، ک. شعبان‌زاده نمینی، ر. (۱۳۹۲) "تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری (مورد مطالعه: مناطق ۲۲گانه شهر تهران)"، نشریه انجمن جغرافیای ایران، سال ۱۱، شماره ۳۹.
- ملک، م. عندلیب، ع. زرآبادی، ز. ماجدی، ح. (۱۳۹۷) "شناسایی اصول و تدوین مدل بازآفرینی محله با رویکرد پایداری اجتماعی با بهره‌گیری از روش دلفی"، نشریه هویت شهر، سال ۱۴، شماره ۴۳.
- موسوی‌نیا، ف. (۱۳۹۷) "تأثیر انتظام فضایی و تراکم بر تعاملات اجتماعی در محیط‌های مسکونی (نمونه مورد مطالعه: توسعه‌های مسکونی شهر مشهد)"، پایان‌نامه دکترا. گروه معماری. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه هنر اصفهان.
- موسوی‌نیا، ف. (۱۳۹۹) "نشریه رابطه تراکم ادراک شده، احساس امنیت و تعاملات اجتماعی؛ مقایسه دو گونه مسکن متراکم محصور و غیرمحصور" مطالعات شهری، سال ۴، شماره ۳۴.
- موسوی‌نیا، ف. و اکبری‌شارک، م. (۱۴۰۱) "شناخت و دسته‌بندی معیارهای مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی در سه مقیاس شهر، محله و همسایگی" دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب" دانشگاه هنرهای اسلامی و معماری تبریز، ۸ دی‌ماه ۱۴۰۱.
- نظم‌فر، ح. علوی، س. (۱۳۹۹) "ارزیابی رقابت‌پذیری گردشگری کشورهای خاورمیانه به لحاظ برخورداری از زیرساخت‌های حمل‌ونقل"، نشریه حمل و نقل، شماره ۶۲.
- هاشم‌نژاد، ه. فیضی، م. رضایی، م. (۱۳۹۴) "راهکارهای طراحانه تحقق پایداری اجتماعی در مسکن گروه کم‌درآمد در شهر تهران"، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، سال ۶، شماره ۶.



- Alipour, H. & Ahmad, H. (2021). Assessing the effect of urban form on social sustainability: a proposed 'Integrated Measuring Tools Method' for urban neighborhoods in Dubai. *City, Territory and Architecture*, 230796622. <https://doi.org/10.1186/s40410-020-00129-4>.
- Allweil, Y. (2019) Nation-building in Israel: Negotiations over housing as grounds for the state-citizen contract, 1948–53. In *Social Housing in the Middle East: Architecture, Urban Development and Transnational Modernity* (pp. 142-180). Indiana University Press.
- Abu-Hamdi, E. (2019). Legitimizing the Jordanian State through Social Housing. In *Social Housing in the Middle East: Architecture, Urban Development and Transnational Modernity* (pp. 37-63). Indiana University Press.
- Altman, I. (1975). *The environment and social behavior: Privacy, territoriality, crowding and personal space*. Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Arnett, Hannah (2017), The challenges in quantifying social sustainability at a neighborhood level, *Cities & Health*, 1 (2): 139- 140.
- Batuman, B. (2019). Neoliberal Islamism and the cultural politics of housing in Turkey. In *Social Housing in the Middle East: Architecture, Urban Development and Transnational Modernity* (pp. 88-113). Indiana University Press.
- Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., Brown, C. & Watkins, D. (2009). Social sustainability and urban form: Evidence from British cities. *Environment and Planning*, (41), 2125- 2142. <http://dx.doi.org/10.1068/a4184>
- Brundtland commission, (1987). *Report of the world commission on environment and development*, Untitled Nations.
- Cauvain, J. (2018). Social sustainability as a challenge for urban scholars, *City*, (22)4, 595-603, 10.1080/13604813.2018.1507113.
- Chan, E. & Lee, G. (2008). Critical factors for improving social sustainability of urban renewal projects. *Social Indicators Research*, (85)2, 243-256. <https://doi.org/10.1007/S11205-007-90893>.
- Chavosh Nejad, M., Mansour, S. & karamipour, A.(2021). An AHP-based multi-criteria model for assessment of the social sustainability of technology management process: A case study in banking industry. *Journal of Technology in Society*, 65, 107-128. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101602>.
- Chiu, R. (2002). Social equity in housing in the Hong Kong special administrative region: A social sustainability perspective. *Sustainable Development*, 155-162. <http://dx.doi.org/10.1002/sd.186>.
- Colantonio, A. (2009). *Urban social sustainability: an Exploratory Analysis of its Definition, Assessment Methods Metrics and Tools*, in *Measuring Social Sustainability: Best Practice from Urban Renewal in the EU*, Oxford: Oxford Brooks University, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD) - International Land Markets Group.
- Colantonio, A. & Dixon, T. (2009). Social sustainability themes and assessment methods, *Urban Design and Planning*, 163, 79-88. <https://doi.org/10.1680/udap.2010.163.2.79>.
- Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism*, Streetwise Press.
- Dave, S. (2011). Neighbourhood density and social sustainability in cities of developing countries. *Sustainable Development*, 19(3), 189-205. <https://doi.org/10.1002/sd.433>.
- Davoodi, S., Fallah, H. & Aliabadi, M. (2014). Determination of Affective Criteria on Social Sustainability in Architectural Design. *Current Trends in Technology and Science*. 8th SAS Tech 2014 Symposium on Advances in Science & Technology-Commission-IV. Iran
- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2009). The Social Dimension of Sustainable Development: Defining Urban Social Sustainability. *Sustainable Development*, (19)5, 289-300. <https://doi.org/10.1002/sd.417>



- Dempsey, N., Brown, C., & Bramley, G. (2012). The key to sustainable urban development in UK cities? The influence of density on social sustainability. *Progress in Planning*, 77, 89-141. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2012.01.001>
- Department of Economic and Social Affairs. (2001). Indicators of sustainable development: framework and methodologies. Division for Sustainable Development, New York.
- Dolezal, F. & Spitzbart-Glasl, C. (2015). Relevance of acoustic performance in green building labels and social sustainability rating. *Energy Procedia*, 78, 1629-1634. <https://doi.org/10.1016/j.egypro.2015.11.241>
- Ezennia, I. & Hoskara, S. (2021). Assessing the subjective perception of urban household on the criteria representing sustainable housing affordability. *Scientific African*, 13, e00847. <https://doi.org/10.1016/j.sciaf.2021.e00847>
- Fatourehchi, D. & Zarghami, E. (2020). Social sustainability assessment framework for managing sustainable construction in residential buildings. *Journal of Building Engineering*, 32, 283-292. <https://doi.org/10.1016/j.jobe.2020.101761>
- Haji Rasouli, A & Kumarasuriyar, A. (2016). The social dimension of sustainability: towards some definitions and analysis. *Social Science for Policy Implications*, (4)2, 23-34. <https://doi.org/10.15640/jsspi.v4n2a3>
- Heravi, G., Fathi, M., & Faeghi, S. (2017). Multi-Criteria group decision-making method for optimal selection of sustainable industrial building options focused on petrochemical projects. *Cleaner Production*, 142, 2999-3013. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2016.10.168>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*, New Delhi; London Sage.
- Karaji, A., Woldesenbet, A., Khanzadi, M. & Tafazzoli, M. (2019). Assessment of Social Sustainability Indicators in Mass Housing Construction: A Case Study of Mehr Housing Project. *Sustainable Cities and Society*, 50, 101679. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101697>
- Karimipour, Y., Rabie, H., & Ahamd Bazleh, A. (2018). Explaining the Geographical Peace Foundations in the Middle East (Case Study: Iran, Turkey and Saudi Arabia). *Geopolitics Quarterly*, 13 (47), pp.79-102.
- Kılınç, K., & Gharipour, M. (2019). *Social housing in the Middle East : architecture, urban development, and transnational modernity* (Kılınç & M. Gharipour, Eds.). Indiana University Press.
- Langdon, P. (1994). *A better place to live: Reshaping the American suburb*. Amherst, University of Massachusetts Press.
- Lund, B. (2011). *Understanding Housing Policy*. 2nd Editio. Bristol: The Policy Press.
- Maleki, S, & Bigdeli Rad, V. (2017). Social Sustainability Measures for Rural Areas in Iran. *Space Ontology International Journal*, (6)1, 79-84.
- Malpass, P. (2008a). Histories of social housing: a comparative approach', in Scanlon, K., & Whitehead, C. (eds.) *Social Housing in Europe II: A review of policies*. London: London school of economics and political science: 15-30.
- Manzi, T., Lucas, K., Jones, T.L. & Allen, J. (2010). *Social sustainability in urban areas: Communities, connectivity and urban fabric*. Routledge.
- Marzouk, M & Sabbah, M. (2021). AHP-Topsis social sustainability approach for selecting supplier in construction supply chain. *Cleaner Environmental System*, 2, 100034. <https://doi.org/10.1016/j.cesys.2021.100034>
- Malkawi K. F. (1996). "Hidden Structures: An Ethnographic Account of the Planning of Greater Amman" (PhD thesis presented at the University of Pennsylvania)



- Mousavinia, SF., Pourdeihimi, S. & Madani, R. (2019). Housing layout, perceived density and social interactions in gated communities: mediational role of territoriality. *Sustainable Cities and Society*, 51,101699. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101699>.
- OSID (Oxford Institute for Sustainable Development). (1987). *Measuring socially sustainable urban regeneration in europe*. Oxford Brookes University Press.
- Sioulas, M. & Pyla, P. (2019) Social Housing in Late Colonial Cyprus: Contestations on urbanity and domesticity. In *Social Housing in the Middle East: Architecture, Urban Development and Transnational Modernity* (pp. 181-206). Indiana University Press.
- Soltani, S., Gu, N., Ochoa, J., Sivam, A., McGinley, T. (2019). Investigating the Social Impacts of High-Density Neighbourhoods Through Spatial Analysis. *International Conference on Computer-Aided Architectural Design Futures*, 18, 264-278.
- Strange, T. & Bayley, A. (2008). *Sustainable development*, OECD.
- Talen, E. (2000). The problem with community in planning. *Planning Literature*, (15)2, 171-183.
- Vallance, S., Perkins, C., Harvey, J & Dixon, E. (2011), What is social sustainability? A clarification of concepts, *Geoforum*, 42,342-348. <https://doi.org/10.1016/J.GEOFORUM.2011.01.002>.
- Wan, L, & Ng, E. (2018). Evaluation of the social dimension of sustainability in the built environment in poor rural areas of China. *Architectural Science Review*, (61)5, 319-326. <https://doi.org/10.1080/00038628.2018.1505595>
- WCED (World Commission on Environment and Development). (1987). *our common future*. Oxford University Press.
- Whyte, W. (1980). *Social life of small urban space*, Conservation Foundation.
- Weingaertner, C. & Moberg, A. (2011). Exploring social sustainability: learning from perspectives on urban development and companies and products. *Sustainable Development*, (22)2, 122-133. <http://dx.doi.org/10.3390/su10051407>
- Woodcraft, S., Bacon, N., Caistor-Arendar, L. & Hackett, T.(2012). *Design for social sustainability a framework for creating thriving new communities*. London: Social Life / Young Foundation.
- Zarghami, E., Azemati, H., Fatourehchi, D. & Karamloo, M.(2020). Customizing well-known sustainability assessment tools for Iranian residential buildings using Fuzzy Analytic Hierarchy Process. *Journal of Building and Environment*, 128, 107-128. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2017.11.032>.